

دپلماسی هسته‌ای ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی (۲۰۱۵-۱۹۹۷)

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۱

تاریخ تأیید: ۹۵/۷/۱۱

* ابراهیم عباسی
** سیدجواد صالحی
*** مظفر حسن‌وند

چکیده

بی‌شک، موضوع هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات تاریخ دپلماسی بوده که اهمیت آن در دهه اخیر باعث شد تا دو عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران تحت تأثیرش قرار بگیرند. شروع بحران هسته‌ای از بیانیه سعدآباد تا برجام، راهبردهای متعددی را برای نخبگان ایران بر جای گذاشت و مآلاً، باید این دوران را در یک سیر مرتبط با محیط‌های منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار داد. در این پژوهش، به این سؤال اصلی پاسخ خواهیم داد «که دپلماسی هسته‌ای ایران در بستر زمانی «۲۰۱۵-۱۹۹۷»، چه راهبردها و الگوهای رفتاری را از منظر نظری جیمز روزنا (با تأکید بر متغیر محیط منطقه‌ای) در دستور کار قرار داده است؟» در پاسخ به سؤال اصلی، این فرضیه مطرح می‌شود که «الگوی رفتاری دپلماسی هسته‌ای ایران در دولت‌های مختلف نسبتاً پایدار بوده، لیکن رفتار انطباقی، تحت تأثیر متغیرهای بیرونی شاهد پویش‌های متعددی بوده است. بدین‌سان، ارتباط مستقیمی بین الگوی رفتاری ایران و محیط منطقه‌ای آن وجود دارد». روش پژوهش، تاریخی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای، استفاده از مجلات، مقالات معتبر و منابع اینترنتی است.

واژگان کلیدی: دپلماسی هسته‌ای، برجام، خاتمی، روحانی، احمدی‌نژاد.

* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول).
e.abbassi.ir@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.
salehisj@gmail.com

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.
mosaffar.hasanvand@gmail.com

مقدمه

بی‌تردید، مهم‌ترین جنجال تاریخ دیپلماسی ایران بعد از ماجرای ملی شدن صنعت نفت، موضوع هسته‌ای است. شتاب زمانی در دههٔ کنونی، سیمای بحث هسته‌ای را بر دیگر موضوعات سیاست خارجی ایران مسلط کرد و تعارضات و مخالفت‌ها، از یک بحث هسته‌ای فراتر رفته و تا آن‌جا پیش رفت که تحریم‌ها و محاصره‌های اقتصادی در خاورمیانه جنبهٔ عقلانی یافت. عکس‌العمل‌های متفاوت در عرصهٔ بین‌المللی و منطقه‌ای باعث شد، از کشورهای حوزهٔ خلیج فارس گرفته تا مرز مدیترانه، موضع خصمانه‌ای نسبت به ایران بگیرند؛ مسئله‌ای که به اتحادهای امنیتی بین واحدها علیه ایران انجامید. صرف نظر از نوع و شیوهٔ دیپلماسی نخبگان ایران، باید گفت که دیپلماسی هسته‌ای ایران بیش‌ترین تأثیر را بر ماهیت روابط امنیتی و سیاسی نظم خاورمیانه به جای گذاشت. کشورهای خاورمیانه و در رأس آن‌ها اسرائیل، بیش‌ترین نگرانی را در مورد پیشرفت برنامه‌های موشکی بالستیک و توان هسته‌ای ایران در خود احساس نمودند و در این مسیر، تمامی توان رسانه‌ای و مراکز پژوهشی خود را برای انعکاس دیدگاه‌هایشان به کار بردند. موضع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی نیز حساسیت مسئلهٔ هسته‌ای ایران را دوچندان کرد. روسیه، چین، اتحادیهٔ اروپا و ایالات متحده در لوای رقابت‌های بین‌خود، هرگز گامی در جهت آرام کردن مسئله برنداشتند و اغلب از این بحران برای رفع مشکلات خود استفاده کرده و به‌نوعی به باج‌خواهی از ایالات متحده پرداخته و نسبت به ایران نیز علاوه بر موضع دوپهلوی، نه حاضر به همکاری بودند و نه توان هرگونه همکاری را در خود احساس کردند. از طرفی، با اعلام دستیابی ایران به فناوری چرخهٔ سوخت هسته‌ای، حیات خاورمیانه از هر جهت تحت تأثیر قرار گرفت. نخبگان عمدتاً عربی، با این‌که اقلیتی از آن‌ها از تداوم برنامه‌های هسته‌ای حمایت کردند و یا حداقل سکوت نمودند، اغلب رویکردی واحد را در پیش گرفتند. در این مقاله، تصمیمات دولت مردان ایرانی در پهنهٔ محیط‌های شش‌گانهٔ مورد نظر روزنا بررسی می‌شود. نظریهٔ روزنا، تا حدی سایر نظریات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای را پوشش داده است و توجه به متغیرهای گوناگون در این نظریه، سطحی از رضایت را برای تحلیل‌گران سیاست خارجی به همراه آورده است.

۱. ادبیات پژوهش

به‌طور کلی، آثار و تألیفات بسیاری در زمینه بحث هسته‌ای نگاشته شده است، اما نمی‌توان همه آن‌ها را به‌صورت تحلیلی ذکر نمود. آثاری که به بررسی موضوع هسته‌ای ایران پرداخته‌اند را می‌توان به چند قسم تقسیم کرد:

نخست، مجموعه آثاری که بیش‌تر از جنبه ماهیت حقوقی به بحث هسته‌ای پرداخته‌اند؛ مانند آثار غریب‌آبادی (۱۳۸۳-۱۳۸۸)، احسان اسدی (۱۳۸۵)، محمد ابراهیم شاکر (۱۳۸۸)، مهران قاسمی (۱۳۸۷)، محمد رضا گلشن‌پژوه (۱۳۸۳-۱۳۸۷)، حسن موسویان (۱۳۸۶) و سید حمید هاشمی (۱۳۸۵).

دوم، مجموعه آثاری که به رویکرد قدرت‌های بزرگ و کشورهای خاورمیانه در مورد دیپلماسی هسته‌ای پرداخته‌اند؛ مانند آثار کمال ایرانی دوست (۱۳۸۷)، محمد علی بصیری و مصطفی قاسمی (۱۳۸۵)، رضا چراغ افروز (۱۳۸۶)، امیرحسین حسینی (۱۳۸۴)، رحمن قهرمان‌پور (۱۳۸۷)، سید جلال دهقانی فیروز‌آبادی (۱۳۸۶)، عبدالله قنبرلو (۱۳۸۷)، جرج پتروویچ، اسرائیل شاهوک و ایان دیویس و لین اوسلیوان^۳.

سوم، مجموعه آثاری که به‌طور خاص به پژوهش در مورد دیپلماسی هسته‌ای اقدام نموده‌اند، مانند آثار سید محمد طباطبائی (۱۳۹۰)، محمد حسن حمیدی (۱۳۸۵)، محمدرضا حق‌شناس (۱۳۹۰)، الهام رسولی‌ثانی‌آبادی (۱۳۹۰)، حسین هرسیج و سکینه ببری گنبد (۱۳۸۵)، ابراهیم عباسی (۱۳۹۰)، هاله وزیری (۱۳۸۷)، حیدر علی بلوچی (۱۳۷۸)، رضا خلیلی (۱۳۹۰)، سارا فلاحی (۱۳۸۸) و ناصر هادیان (۱۳۸۸)، هنری سوکولسکی و پاتریک کلاوسون^۴ و مجموعه مقالات مراکز تحقیقاتی مانند مرکز نیکسون^۵.

چهارم، آثار محدودی که به دیپلماسی هسته‌ای سایر کشورها در ارتباط با ایران پرداخته‌اند؛ مانند آثار علی‌اکبر رستمی (۱۳۸۶)، نودر شفیع (۱۳۸۸)، رحمن قهرمان‌پور (۱۳۸۸)، سید محمد کاظم سجادی‌پور و مائده کریمی قهرودی (۱۳۹۰).

پنجم، مجموعه آثار و گزارش‌های بسیاری در خارج از ایران به بحث هسته‌ای از جنبه‌های گوناگون (رویکردها، تأثیرات، تعارضات و امنیتی شدن پرونده هسته‌ای و تأثیرات هسته‌ای) پرداخته‌اند؛ مانند آثار بوون و بریور^۶، کوردزمن و

1. George Petrovich
2. Israel Shahak
3. Yan Davis and Lyn Oslivan, US Foreign Policy : from Baghdad to Tehran
4. Henry Sokolski and Patck Clawson, Getting Ready a Nuclear-Ready Iran
5. Iran's Bomb American: Iranian Perspective
6. Bowen, Q.W.8Brewer, j. (2011) - Iran's Nuclear challenge: nine years and Counting, International Affairs, 87(4) , pp 923-934.

دیگران^۷، اتریونی^۸، کاتزمن^۹، کوگلر^{۱۰}، پداتزور^{۱۱} و راسل^{۱۲}. این پژوهش، دارای تفاوت‌های اساسی با اغلب منابع مطرح شده است. هیچ‌کدام از نویسندگان این منابع، دیپلماسی هسته‌ای ایران را از منظر جیمز روزنا بررسی نکرده‌اند یا کمتر بدان پرداخته‌اند. تمایزات اساسی این پژوهش عبارت‌اند از: ترکیبی از توجه به دیپلماسی هسته‌ای ایران در ارتباط با محیط بیرون، ترکیبی از توجه به ارتباط دادن امنیت خاورمیانه با ماهیت پرونده هسته‌ای ایران و توجه به هنجارها و نگاه‌های متفاوت. از جهت دیگر، این پژوهش با توجه به بستر زمانی خود، نسبت به آثار مطرح شده دارای درجه نوآفرینی و نظری است. در حقیقت، هیچ اثری تاکنون، چه در ایران و چه در سطح جهان، دیپلماسی هسته‌ای ایران را بر اساس مؤلفه‌های ترکیبی سیاست هسته‌ای، مذاکرات، هنجارها و تعاملات بین این مفاهیم بررسی نکرده است.

۲. چارچوب نظری

روزنا در کتاب «پیش‌نظریه سیاست خارجی»، دو سطح تحلیل «داخل» و «خارج» را به هم پیوند می‌زند و بیان می‌دارد که عده‌ای از تحلیل‌گران بر فرایندهایی تأکید دارند که تأثیرات بر رفتار خارجی را نشان می‌دهد و عده‌ای دیگر نیز بر متغیرهای درون‌حکومتی، که تعیین‌کننده سیاست خارجی‌اند، اصرار دارند. وی معتقد است که باید به این دیدگاه‌ها، عوامل و متغیرهای دیگری نیز افزود تا بتوان تأثیرگذاری آن‌ها را بر سیاست خارجی نشان داد. اما این تأثیرگذاری نشان نمی‌دهد که تحت چه شرایطی، کدام دسته از عوامل بر دسته دیگر غالب می‌شود (Rosenau, 1971: 96-99). لذا، روزنا برای عملیاتی

- 7 Cordesman, H. A. (2007) – Israeli and U.S. strikes on Iran: A speculative Analysis, Center for Strategic and International studies (CSIS), March 5, 2007.
- Cordesman, H.A., & Burke, A.A. (2009). Study on a possible Israeli Strike on Iran's Nuclear Development Facilities, Center for Strategic International Studies (CSIS), March 14.
- Cordesman, H.A. & Turkan, A. (2012). Analyzing the Impact of Preventive Strikes Against Iran's Nuclear Facilities, Center for Strategic International studies (CSIS). September 10th.
- 8 Etzioni, A.(2010). Can Nuclear- Armed Iran be Deterred, Military Review, May- June 2010.
- 9 Katzman, K.(2012). Iran Sanction, Congressional Research Wervice(CRC), Report for congress.
- 10 Kugler, L.R.(2009). An Extended Deterrence Regime to counter Iranian Nuclear Weapons: Issues and Options, Center for Technology and National Security Policy National Defence University.
- 11 Pedatzur, R.(2007) , The Iranian Nuclear Threat and Israeli Options, Contemporary security policy, (2893) , December. Pp 513-541.
- 12 Russell, A.J.(2009). Extended Deterrence, Security Guarantees, and Nuclear Weapons; U.S.Strategic and Policy Conudrams In the Gulf, Strategic Insights, Center on Contemporary Conflict, 8(5) , Winter 2009.

نمودن دیدگاه خود، پنج متغیر را برمی‌گزیند که بر رفتار خارجی دیپلماسی تأثیر می‌گذارند: «فرد، نقش، حکومت، جامعه و محیط». توجه روزنا به وزن نسبی هر یک از این متغیرها در تعیین رفتار سیاست خارجی است. از این‌رو، وی به دسته‌بندی کشورها بر اساس متغیرهای قدرت، سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ می‌پردازد. بعدها روزنا متغیرهای محیط داخلی و خارجی را به شکل ملموس‌تری بسط می‌دهد تا بتواند تأثیر محیط داخلی و خارجی را بر سیاست خارجی نشان دهد. روزنا در محیط داخلی بیست و چهار زمینه و چهار مقوله را قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: «مقولات کلی نخبگان، ایستارها، نهادها و پویش»؛ وی در محیط خارجی نیز شش محیط «مجاور، منطقه‌ای، جنگ سرد، نژادی، منابع و سازمانی» را برمی‌گزیند.

متغیرهای فردی، بیان‌گر ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات پیشین فردی می‌شود که رفتار او را از دیگر تصمیم‌گیرندگان مشخص می‌کند. متغیر نقش، رفتاری است که ایفاکننده نقش یا تصمیم‌گیرنده بدون توجه به خصوصیات شخصیتی وی-ایفا می‌کند. متغیر حکومتی، بیان‌گر جنبه‌هایی از ساختار حکومتی است که رفتار را یا محدود می‌کند یا افزایش می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه میزان مانور رئیس‌جمهور در عرصه سیاست خارجی و متغیر جامعه، نشان‌دهنده جهت‌گیری‌های ارزشی جامعه و به‌طور کلی گروه‌ها و سازمان‌های غیر دولتی است که در اتخاذ دیپلماسی نقش دارند. متغیر محیطی نیز بیان‌گر کنشی است که از بیرون رخ می‌دهد و میزان انتخاب‌های دیپلماسی تصمیم‌گیرندگان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. البته میزان دخیل بودن هر یک از این متغیرها در هر کشوری می‌تواند متفاوت باشد. به‌عنوان نمونه، در یک کشور بزرگ توسعه‌یافته نظیر ایالات متحده که وضعیت سیاسی آن باز است، متغیرها به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: «نقش، جامعه، حکومت، جامعه بین‌الملل و فرد». اما در یک کشور بزرگ توسعه‌نیافته که وضعیت سیاسی آن بسته باشد، اولویت متغیرها به ترتیب «نقش، فرد، حکومت، محیط بین‌الملل و جامعه» است (Rosenau, 1971: 108-113). می‌توان به این نکته رسید که معمولاً متغیر جامعه در کشورهای نقش‌بیشتری دارد که وضعیت سیاسی آن باز باشد و متغیر فردی عمدتاً در کشورهایی در اولویت قرار دارد که وضعیت سیاسی آن بسته است. بنابراین، میزان مشارکت گروه‌ها در اتخاذ دیپلماسی دارای دو دنیای متناقض است.

وضعیت داخلی برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته، از لحاظ نظری پنج گزینه در اختیارشان می‌گذارد که البته در عمل فقط گزینه نخست، یعنی پذیرش الزامات تعدیل ساختاری برای آن‌ها امکان‌پذیر است. این گزینه‌ها عبارت‌اند از: نخست، تشکیل اتحادیه‌های بین‌المللی با هم‌گنان؛ مانند گروه ۷۷ در دهه ۱۹۷۰. دوم، رویارویی لفظی یا عملی؛ مانند خطی که لیبی، کوبا، شیلی و ایران پیگیری می‌کنند. سوم، حامی‌طلبی؛ مانند ویتنام جنوبی. و در آخر، انزوای طلبی (هیل، ۲۰۰۸: ۳۳۳). روزنا سعی می‌کند با الهام از منطق کوانتا مانی متناقض‌تفردی و نهادین نظام بین‌المللی را در قالب «پیش‌نظریه» و «طرح هم‌بستگی» به هم پیوند

دهد. وی به تدریج دریافت که ایستایی دو منطق صوری و کوانتا، نمی تواند مفسر پویایی تحولات بین المللی باشد و در مقاله «وابستگی متقابل فزاینده»، بار دیگر سعی کرد تا با الهام از روش منطقی دیگری، یعنی «دیالکتیک» بهره جوید تا ماهیت پویایی روابط بین الملل را تفسیر کند؛ البته بدون آن که به مبنای این منطق نیز اشاره ای داشته باشد (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۴۹۸). بر این اساس، روزنا چهار نوع سمت گیری بازیگران حاضر در جهان چند-مرکزی را بر اساس شیوه های مختلف انطباق و سازگار جویی معرفی می کند (شکل ۳-۱). مدل پیوستگی روزنا بسیار پیچیده است. به نظر روزنا، در محیط خارجی، شش محیط فرعی - مجاور، منطقه ای، منابع، نژادی، سازمانی، جنگ سرد - بر موفقیت یا شکست سیاست خارجی تأثیر می گذارند (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۴۹۲). در این پیوستگی، ما نیز به تبع برخی صاحب نظران^۳، با به وجود آمدن تغییرات جدید، برخی از شش محیط خارجی را جایگزین و تعدیلاتی در پویای آن به وجود می آوریم. طرح تعدیل شده پیوستگی روزنا برای مطالعه سیاست خارجی را در شکل ۳-۱-۱ نمایش می دهیم.



شکل (۳-۱): الگوی نظری جیمز روزنا و نوع الگوی رفتاری آن



شکل (۳-۱): شیوه های مختلف انطباق و سازگار جویی

۳. دیپلماسی هسته‌ای دولت اصلاحات

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصلاحات، در عین تداوم اصول، از اهداف و ابعاد خاصی برخوردار است که آن را از دوره‌های بعد و قبل از خود متمایز می‌سازد. در این دوره، ایران تلاش کرد تا از طریق تصویرسازی مثبت و واقعی از خود، به اصلاح تصویر ساخته‌شده غیر واقعی از جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی بپردازد. بر این اساس، سیاست خارجی بر اصول توسعه‌گرایی سیاسی-فرهنگی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، صلح‌گرایی و چندجانبه‌گرایی گفتمانی استوار گردید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۵۰). در چهار سال نخست دولت اصلاحات، وقایع مهم دیپلماسی هسته‌ای، نه در داخل و نه در خارج، نقش چشم‌گیری نداشته و نکات بااهمیت، مربوط به دوران دوم دولت است.

۱،۳. موافقت نامه‌ها؛ بیانیه‌ها و توافقات

در فوریه ۲۰۰۳، محمد خاتمی اعلام کرد که ایران برای توسعه یک چرخه سوخت کامل هسته‌ای، از مرحله استخراج معادن اورانیوم جهت استفاده در رآکتورهای هسته‌ای تا مرحله بازآوری سوخت مصرف‌شده و زباله‌های ذخیره‌شده، برنامه‌ریزی کرده است (Shanoon, 2005: 3). پس از این، آژانس ابتکار عمل را برای مقابله با آن، با توجه به الزامات معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، در دست گرفت و برای اولین بار در آگوست ۲۰۰۳، فرانسه، آلمان و انگلیس با ارسال نامه‌ای مشترک به وزیر امور خارجه ایران، خواستار تصویب و پیاده‌سازی پروتکل الحاقی ۲+۹۳، پروتکل‌های الحاقی و متوقف کردن فعالیت‌های غنی‌سازی ایران شدند و در ۱۶ ژوئن به این نتیجه رسیدند که برخی از جنبه‌های برنامه هسته‌ای ایران باعث افزایش نگرانی می‌شود (Hunter, 2010: 89-90).

در مذاکرات ایران و اروپا در تهران، اکتبر ۲۰۰۳، نمایندگان اروپایی اصرار داشتند که ایران به‌طور یک‌جانبه برنامه غنی‌سازی خود را بدون انتظار از رفتار اروپا متوقف کند. با این حال، آن‌ها در نهایت برای تعلیق غنی‌سازی، با یک قاعده براساس تعهدات متقابل بین اروپا و ایران موافقت کردند. در این زمان، فعالیت‌های غنی‌سازی ایران به تعلیق درآمده بود و البرادعی اعلام کرد که این کار به معنی اجتناب از استفاده از گاز سانتریفیوژ است. مدت کوتاهی پس از آن، فضای مذاکرات هسته‌ای ایران و اروپا تیره شد و سوءظن اروپایی‌ها نسبت به نیت ایران در برنامه هسته‌ای تشدید شد. علت برخی از اختلافات، توسط بازرسان آژانس مربوط به نوع سانتریفیوژ پلونیوم، آلودگی و نشت گاز اعلام شد. پس از تلاش‌های طولانی و دشوار در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۰۴، ایران و سه کشور اروپایی همراه با حمایت نماینده عالی اتحادیه اروپا، بیانیه‌ای امضا کردند که بر طبق آن، ایران تعلیق ساخت قطعات مونتاژ سانتریفیوژ را پذیرفت و پرونده در نشست ژوئن ۲۰۰۴ حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بسته شد. بر اساس این نشست، راهکار اتحادیه اروپا ارائه مشوق‌های تجاری در ازای توقف

غنی‌سازی و شفاف‌سازی فعالیت‌های ایران بود (Bowen & Brewer, 2011: 932). بدین‌رو، توسعه روابط بین ایران و اتحادیه اروپا و توافق‌نامه تجارت و همکاری شامل این موارد می‌شد: تعهد به یک رابطه امنیتی دراز مدت، استقبال از تعهدات ایران در باب عدم تعقیب سلاح هسته‌ای، تأکید بر توافق نهایی در توافقات بلندمدت - که تضمین می‌کند برنامه هسته‌ای ایران منحصر برای مقاصد صلح آمیز باشد، توافقات و همکاری‌های سیاسی و امنیتی ایران و اروپا. بیانه فوق به علل اختلاف در گزارش‌های ایران و یافته‌های آژانس، رهاسازی یک جانبه برنامه هسته‌ای توسط ایران و اصرار آمریکا برای ارسال پرونده ایران به شورای امنیت دیری نپایید. در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۰۴، ایران به سه کشور بریتانیا، آلمان و فرانسه پیشنهادی ارائه کرد که بر مبنای آن قرار شد یک استراتژی در مقیاس بزرگ برای مدیریت بحران در نظر گرفته شود و ایران به سه کشور اطمینان دهد که نخست، از فعالیت‌های صلح آمیز منحرف نشود و پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را ترک نکند؛ دوم، با توجه به پروتکل الحاقی با بازرسان آژانس همکاری کند و سوم، این که ایران مسئولیت کامل برای استفاده از فن آوری پیشرفته را بپذیرد و در مقابل، از آن‌ها خواست که حقوق اساسی ایران را با توجه به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بپذیرند و روابط استراتژیک خود با ایران را افزایش دهند، تکنولوژی دوگانه فناوری را به ایران منتقل کنند و سرانجام روابط اقتصادی و همکاری‌های دفاعی و امنیتی با ایران منعقد نمایند (Bowen & Brewer, 2011: 94).

آن‌ها پیشنهاد «راه به جلو» را به ایران دادند و اعلام کردند که اگر ایران از فعالیت‌های خود دست بردارد، اروپا نیز از شکایت علیه ایران در شورای امنیت حمایت می‌کند و ایران سریعاً باید پروتکل را تصویب کند و با شفاف‌سازی بیشتری به کار خود ادامه دهد، وگرنه خواستار تعلیق برنامه غنی‌سازی ایران می‌شوند. در مقابل، تضمینی برای اطمینان از فعالیت‌های هسته‌ای ایران صورت نگرفت. در مورد مسایل حل‌نشده در دهم نوامبر ۲۰۰۳، البرادعی گزارشی به شورای حکام ارائه داد؛ پیرامون این که برنامه ایران بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر از آنچه بود که قبلاً تصور می‌شد و برای چند دهه از جامعه بین‌المللی مخفی نگاه داشته شده بود. البرادعی نتیجه گرفته بود که هیچ مدرکی دال بر ارتباط فعالیت‌های هسته‌ای قبلاً اعلام نشده ایران با برنامه‌های نظامی وجود ندارد، اما با توجه به پنهان‌کاری ایران، رسیدن آژانس به این که برنامه ایران در راستای صلح آمیز بودن است، به زمان نیاز دارد (Shanoon, 2005: 8-9). در ۲۶ نوامبر همین سال، قطعنامه‌ای علیه ایران صادر شد که از ایران می‌خواست به تعهدات خود عمل نماید. در ۱۸ دسامبر، ایران پروتکل را امضاء کرد و اظهارنامه مفصلی مطابق با پروتکل به آژانس ارائه داد و اظهار داشت که این اظهارنامه مفصل یک اقدام اعتمادساز داوطلبانه است، چراکه پروتکل برای ایران لازم‌الاجرا نشده است و از شورای حکام خواست تا در جلسه بعد به پایان پرونده رأی بدهد (Shanoon, 2005: 10-11).

بنابراین، در زمینه هسته‌ای، دولت خاتمی هیچ‌گاه از سیاست اصلی پایبندی به مفاد NPT تخطی نکرد و بارها به سیاست صلح‌آمیز هسته‌ای کشور اصرار ورزید و بعد از بازرسی‌های آژانس، مشخص شد که به‌رغم گستردگی برنامه هسته‌ای کشور، نه انحرافی در اجرای برنامه به مقاصد نظامی بوده است و نه یک بخش نظامی نقشی در برنامه هسته‌ای داشته است (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۶). لذا، با ناکامی در نتایج سعدآباد و موکول شدن موضوع به توافق‌نامه بروکسل - که در طی آن از ایران خواسته شد تا در ازای بسته شدن پرونده، ساخت و مونتاژ قطعات سانتریفیوژ را به صورت تعلیق درآورد، اما باز پرونده بسته نشد و از مسیر خود خارج شد - در تیرماه ۱۳۸۳ هیأتی از ایران برای مذاکره به پاریس رفت، ولی این مذاکرات تا به امروز هم رازآلود باقی مانده و دیپلماسی ایران نیز وارد فاز جدیدی شده است. در حقیقت، ایالات متحده پس از افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳، به یک دیدگاه بنیادین در برخورد با ایران رسید. دلایل تغییر دیدگاه آمریکا یکی عبارت بود از لزوم حفظ سیاست مشترک با اروپا و دیگر آن که وضعیت عراق رو به آشفتگی بود و دولت بوش نمی‌خواست با اتخاذ موضعی یک‌جانبه، عراق دیگری را در خاورمیانه برای خود درست کند. به هر صورت، مصالحه در آژانس صورت گرفت و به امضای پروتکل الحاقی، تعلیق غنی‌سازی اورانیوم و عدم واردات تکنولوژی منجر گردید (Kemp, 2004: 11).

۲.۳. پویای محیطی

در این دوران، شرایط نوین جهانی، نیاز به تغییرات جدید با بینش و تفکر جدید، هم در سطح داخلی و هم در سطح سیاست خارجی را برای بهره‌مندی از امکانات، موقعیت‌ها و چگونگی برخورد با مسائل دگرگون‌شونده جهانی اجتناب‌ناپذیر گردانید. در دوران خاتمی، ایران، به سمت شناخت شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر جهت داد و هم از لحاظ محتوا و هم بیان، با تحول اساسی روبرو شد (سوری، ۱۳۸۴: ۱۸۴). چارچوب‌های کلی سیاست این دولت را می‌توان در تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها به‌طور عام تبیین نمود.

محیط سازمانی دوران اصلاحات از طرف ایالات متحده عبارت بود از: قانون گزارش اجباری، هر شش ماه یک بار به کنگره آمریکا در باب فهرست کشورها، شرکت‌ها و افرادی که به ساخت سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای ایران کمک می‌کنند (سالنامه شرق ۹۱/۱۲/۲۱). اما سیاست‌های مبنی بر تعلیق داوطلبانه و اطمینان دادن به جامعه بین‌المللی، بازتاب انزوا در صحنه بین‌المللی را کاهش داد و این به‌منظور ارتقا روابط با قدرت‌های خارجی بود (Bowen & Brewer, 2011: 933). محیط داخلی ایران با توجه به بحث‌های داخلی که در ایران وجود داشت به‌مرور در دولت خاتمی، نقش پررنگ و مهمی می‌یابد و ما در سال‌های پایانی شاهد موجی از مخالفت‌ها به دیپلماسی هسته‌ای خاتمی در بخش داخلی هستیم. به بیان دیگر باید گفت که: در سطح پویای واقعی در فرآیند تصمیم‌گیری دیپلماسی هسته‌ای، دولت با موانعی چون تلقی متفاوت برخی نخبگان دیگر و عدم انسجام در سیاست خارجی مواجه بود؛ لذا،

این پویش‌ها به‌عنوان محذورات داخلی شناخته می‌شوند و به ترتیب متغیرهای حکومتی، نقشی، فردی و اجتماعی مهم می‌شوند. متغیرهای شکل دهنده رفتار خارجی ایران نقشی و فردی بوده، اما تا حدی متغیر جامعه و اجتماع از حالت جنینی خود بیرون می‌آیند. در سطح محیط منطقه‌ای، با بهبود گسترش روابط سیاسی ایران با کشورهای عربی و مجموعه خلیج فارس، محیط منطقه‌ای بسیار مساعدی را نسبت به سایر دوره‌ها شاهدیم. در محیط سیستمی نیز، با توجه به نگاه مثبت و تعامل سازنده با اتحادیه اروپا، محیط سیستمی تا حدی از تعارضات خود نسبت به ایران کاست، اما با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در ایالات متحده، به یک‌باره محیط به سمت امنیتی بودن میل کرد. حضور ایالات متحده در افغانستان و عراق بیان‌گر محیط مجاور ایران است. در اواخر این دولت، ایالات متحده و روسیه به بهانه بحران ریاست جمهوری لبنان وارد مداخلات در این محیط منطقه‌ای شدند. محیط سازمانی نیز وضعیتی مشابه محیط سیستمی دارد و با ورود بوش، مکانیسم قطع‌نامه‌ها، هرچند به نسبت کم، در حال شکل‌گیری بود. محیط همبستگی متقابل نیز تا اندازه‌ای با توجه به الگوی گفتگوی تمدن‌ها و نقش ایران در فرایند تعامل، محیط شکننده‌ای نبود. الگوی رفتاری ایران در این برهه، حرکت از الگوی با تدبیر به سمت الگوی عادی است، که در سال آخر به سمت الگوی متشنج میل کرد. لذا، انطباق رفتاری ایران تا حدی حرکت از رضایت‌مندانه به سمت ارتقایی بوده که به انطباق محافظتی میل می‌کند. در حقیقت، در این دوران، تلاش دیپلماسی هسته‌ای به نحوی نظریه‌پردازی شده بود تا مانع امنیتی شدن پرونده هسته‌ای و سپردن آن به شورای امنیت شود. از این رو، الگوی عادی تحت شرایط بیرونی میل به متشنج می‌کند که ریشه آن را باید در نگاه خصمانه کاخ سفید جست.

در مورد اتهامات پیش روی اصلاحات، حسن روحانی در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» بیان می‌دارد که «در ششم اردیبهشت ۱۳۸۴ در حاشیه دیدار مسئولان جمهوری اسلامی با رهبری، مسئولان دیدار خصوصی کوتاه و سرنوشت‌سازی با ایشان داشتند...». در این جلسه، روحانی نظر رهبری را این‌گونه شرح داد که «اروپایی‌ها زیر بار شکستن تعلیق نمی‌روند و تنها وقت تلف می‌کنند. از نظر سیاست داخلی بحث شد که اگر بخواهیم تعلیق را بشکنیم آیا برای فضای انتخابات مشکل ایجاد می‌شود یا نه؟ که ایشان فرمودند مشکلی ایجاد نمی‌شود و این مسئله ربطی به انتخابات ندارد و حتی فضای انتخابات را گرم‌تر هم می‌کند. به این ترتیب، با دستور رهبر، قبل از پایان یافتن دولت سید محمد خاتمی تعلیق پایان یافت تا دولتی که خود پرونده پاریس را گشوده بود خود هم آن را ببندد» (مهرنامه ۹۱/۲: ۲۴۶). حسن روحانی در پاسخ به منتقدان مذاکرات تهران و بیانیه سعدآباد بیان می‌کند که تصمیم نظام این بود که مواردی را که در مذاکرات تهران اعلام شد در صورت شکست مذاکرات به‌طور یک‌جانبه اعلام کند. «قرار ما در جلسه سران نظام این بود که اگر اروپایی‌ها به تهران نیایند یا اگر مذاکرات تهران به شکست منجر شود، بلافاصله طی بیانیه‌ای

همه موارد را یک‌طرفه و بدون این که تضمینی از طرف اروپایی‌ها گرفته باشیم، اعلام کنیم. در آن صورت، نه تضمین عدم ارجاع به شورای امنیت مطرح بود و نه تضمین کمک اروپا به ما در آژانس. در واقع ایران می‌خواست در صورت شکست مذاکرات با یک نبرد تبلیغاتی جلوی ارجاع پرونده را به شورای امنیت بگیرد» (مهرنامه ۹۱/۲: ۲۴۳).

دلایل عدول و تحول سیاست ایران را باید در عدم موفقیت چشم‌گیر ایران در برآورد انتظارات و مواجهه با نظام بین‌المللی دانست که آرمان‌گرایی را بر نمی‌تابید. لذا، در بحث سیاست هسته‌ای، ما شاهد «تعامل سازنده و مؤثر» یا همان «تنش زدایی» هستیم. در واقع، ما به دنبال انطباق دیپلماسی هسته‌ای خود با محیط بیرون بودیم (سوری، ۱۳۸۴: ۱۹۲) و در پرتو این سیاست، دولت خاتمی نه تنها معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و تعهد سیاسی به معاهده ممنوعیت آزمایشات هسته‌ای را ادامه داد، بلکه در دو حوزه دیگر سلاح‌های کشتار جمعی نیز، یعنی ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، تصمیمات مهمی اتخاذ کرد (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

۴. دیپلماسی هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد

در چارچوب گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور و جهت‌گیری عدم تعهد تجدیدنظرطلب، نوعی سیاست خارجی شکل گرفت که الگوی رفتاری آن به شیوه‌ها و ابزار متمایزی در رفتار سیاست خارجی ایران در عرصه بین‌المللی تجلی یافت. از یک سو، باعث تعدیل الگوی مناسبات با غرب، به معنای تشدید جنگ سرد با آمریکا و بازنگری روابط با اروپا شد و از سوی دیگر، موجب ظهور سیاست نگاه به شرق، به‌ویژه نزدیکی به روسیه و چین گردید. هم‌چنین، جهان‌سوم‌گرایی و به‌خصوص آمریکای‌لاتین‌گرایی در سیاست خارجی ایران تقویت و توسعه یافت. بدین ترتیب، سیاست خارجی در این دوره، در عین تداوم شاهد تغییر و تحولات بسیاری بوده است (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵۱۳-۵۱۲).

این گفتمان، یادآور گفتمان آرمان‌گرایی اوایل انقلاب بود که یک‌جانبه‌گرایی آمریکا را به باد انتقاد گرفت. نگاه به شرق و جنوب رهنمای این دولت در مواجهه با تحولات جهان بوده است. لذا، نرمش با واشینگتن را نافی اصول کلی نظام می‌داند، چراکه پس از عدم پاسخ مثبت آمریکا به ایران و تصویب قوانینی چون داماتو و اعمال دکترین م‌هار دو جانبه، باید مقابل ایده‌های واشینگتن در خاورمیانه ایستاد (Kamrava, 2008: 3-4). دولت نهم و دهم، موضوع موعودگرایی را به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست داخلی و خارجی دولت خود قرار داد (درویشی متولی، ۱۳۸۸: ۵۳۳-۵۳۱). از نظر بین‌المللی، چنین رویکردی، یعنی اتخاذ لحن و ادبیات مقابله‌ای با بلوک غرب به‌ویژه آمریکا، دوست شدن با دولت‌های سوسیالیستی مانند آمریکای لاتین و از سرگیری رویکرد فعال‌تر نسبت به مناقشه اعراب-اسرائیل بوده است (Hunter, 2010: 63). در این دوران، دولت برای حفظ امنیت هویتی خود، حتی حاضر است امنیت

فیزیکی اش را نیز به خطر اندازد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). بر این اساس، هرگونه مخالفت با غرب بر مبنای دکترین امنیت ملی و بازدارندگی خواهد بود و به مصاف رفتن با تحریم و تهدیدات نیز در این قاعده است. چنانچه در آوریل و مارس ۲۰۰۶، ایران به طور مداوم تحریم‌ها را به مبارزه طلبی د (Haman, 2008: 13-14).

یکی از مشخصه‌های مهم سیاست سازش‌ناپذیری ایران در موضع هسته‌ای، وجود قوانینی در راستای حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای بوده که هرگونه سازش را ممنوع اعلام می‌کند. بدین‌رو، در ۱۳۸۴/۲/۲۵ قانون دستیابی به فن آوری صلح‌آمیز هسته‌ای در مجلس به تصویب رسید و به موجب آن، دولت در مرداد همان سال فعالیت‌های «یوسی اف» خود در اصفهان را از سر گرفت. سپس حدوداً پنج ماه در حضور بازرسان آژانس به رفع تعلیق نظنز و فعالیت‌های غنی‌سازی در خصوص تحقیق و توسعه و ساخت قطعات مورد نیاز سانتریفیوژ خاتمه داد. قانون الزام دولت به تعلیق اقدامات داوطلبانه در صورت ارجاع یا گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت نیز در آذرماه به تصویب مجلس رسید (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). قانون الزام دولت به تجدید نظر در همکاری با آژانس بین الملل نیز در دی ماه ۱۳۸۵ به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید.

پس از گذشت کمتر از شش ماه از تصدی‌گری ریاست جمهوری، احمدی نژاد سیاست‌ها را مورد تجدیدنظر قرار داد. سپس روحانی سیاست‌های احمدی نژاد را مورد انتقاد قرار داد و علی لاریجانی، به‌عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی جایگزین وی شد (Middle East Report, 2006). این تغییر ناشی از آن بود که دولت دیگر به دنبال تعقیب سیاست تنش‌زدایی نبود، بلکه نوعی رویکرد تهاجمی در دستور کار قرار گرفت. با اتخاذ رویکرد متفاوت از دولت‌های قبلی، دولت احمدی نژاد در پاسخ به تحریم‌ها به ادامه روند هسته‌ای شدن ادامه داد. از دستاوردهای این دولت می‌توان به مواردی چون کامل شدن چرخه تولید سوخت هسته‌ای در مقیاس آزمایشگاهی و تولید اورانیوم با غنای مورد نیاز در ۱۳۸۷، تولید نخستین سوخت هسته‌ای در یو. سی. اف اصفهان در ۱۳۸۸، رونمایی از نسل سوم ماشین‌های سانتریفیوژ و سوخت مجازی رآکتور تهران در ۱۳۸۹، تولید سوخت مجازی نیروگاه آب سنگین اراک در ۱۳۹۰، بهره‌برداری از توان تولید برق ۶۰ مگاواتی نیروگاه اتمی بوشهر (کیهان ۱/۲۱/۹۲) در سال ۱۳۹۲ هم‌زمان با روز ملی هسته‌ای و راه‌اندازی شتاب‌دهنده الکترون با ۸ کاربرد تولیدی و پزشکی کشور (ایران ۱/۲۱/۹۲) اشاره کرد.

دیپلماسی هسته‌ای در این مقطع، به‌صورت واکنشی به درون‌دادهای بیرونی بود که با برجسته شدن و حساس شدن موضوع از سال ۲۰۰۲ به بعد از سوی سیستم صادر شده و شامل تقاضاها و مخالفت‌های اعضای جامعه بین‌المللی در ارتباط با این فعالیت‌هاست. لذا، بررسی کنش‌های دولت ایران در قبال این درون‌دادها و تقاضاهای بیرونی، حاکی از یک سیاست سازش‌ناپذیر و غیر مصالحه‌جویانه است، اگرچه خود این سیاست سازش‌ناپذیر با فراز و نشیب‌هایی

همراه بوده است (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). در حقیقت، همان‌طور که غرب به سیاست تنش‌زدایی دولت قبلی پاسخ منفی داد، این بار دولت احمدی نژاد به خوبی از عهده سازش ناپذیری برآمد. بنابراین، هرگز توجهی به مفاد و بیانیه صادره، چه از سوی شورای امنیت و چه شورای حکام نمود و حتی روند مذاکرات را نیز تا حدی با جدیت دنبال نکرد. ریشه‌ی این رفتار را باید در دل‌سردی از رفتار غرب و عدم پاسخ مثبت به ایران در رسمیت نشناختن حقوق ایران و روی‌آوری به آرمان‌های نخست انقلابی جست. در این برهه، ایران معتقد است که برای اجتناب از سرنوشت عراق باید از NPT خارج شد و اگر ایران از این معاهده خارج نشود، ایالات متحده به‌عنوان پیش‌درآمدی بر تقاضاهای بعدی خود، به کسب امتیاز از ایران اقدام خواهد کرد.

۱.۴. روندها؛ از استانبول تا آلماتی ۲

تا قبل از سال ۱۳۹۲، مذاکرات سه بار در ژنو سوییس، دو بار در استانبول، یک بار در بغداد، یک بار در مسکو و یک بار در آلماتی برگزار شده است. ایران در ۱۳۸۷، بسته خود را برای ادامه فرایند فراهم نمود که بدون طلب هیچ امتیازی از غرب، خواهان حل مسایل جهانی و بحران‌های سیاسی و اقتصادی جهان بود. نمایندگان غرب و خاور سولانا متعاقب آن، در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۸ (۲۵ خرداد ۱۳۸۷) بسته جدید خود را مبنی بر حوزه‌های مختلف بیان کردند، اما انجام مذاکره در این مورد را باز هم منوط به تعلیق غنی‌سازی از سوی ایران کردند (غریب آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۴۱). روند مذاکرات تا قبل از دور آلماتی ۲ را به اختصار در جدول ۵-۱ بیان می‌کنیم:

جدول ۵-۱: روند مذاکرات تا قبل از دور آلماتی ۲

استانبول	بازگشت به مذاکره	ایران بیان کرد که اگر قرار است مذاکره حول نقاط مشترک باشد، لازمه همکاری پذیرش حقوق ایران است، ولی آن‌ها این پیش‌شرط را قبول نکردند و مذاکرات بی‌نتیجه ماند. دستاورد این دور، توافق درباره زمان و مکان دور بعدی بود.
بغداد	دو خوانش متفاوت از ان. پی. تی	ایران اعلام آمادگی کرد تا موضوع غنی‌سازی ۲۰ درصد مورد بررسی قرار گیرد، اما آن‌ها خواستار تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی، تعطیل شدن تأسیسات فردوی قم و انتقال اورانیوم با غلظت ۲۰ درصد به خارج از کشور و در مقابل رفع محدودیت برخی از قطعات حساس هواپیما شدند و بیان کردند که پیمان ان. پی. تی پذیرش حقوق هسته‌ای ایران را به رسمیت نشناخته است.

<p>پیشنهاد پنج گانه ایران با عنوان چارچوب گفتگوهای جامع و هدف مند برای همکاری‌های بلندمدت میان هفت کشور، بر این مبنا که محور گفتگو لزوماً هسته‌ای نباشد. پیشنهاد ایران موضوع بحرین بود و پیشنهادات آن‌ها موضوع مواد مخدر و دزدی دریایی بود. ایران بیان کرد که نمی‌خواهد استثنای آن. پی‌تی باشد و نتیجه، اتخاذ طرح گام به گام از کارشناسان به کارشناسان ارشد شد.</p>	<p>بازگشت به سطح کارشناسی</p>	<p>مسکو</p>
<p>مشخص شدن زمان و مکان مذاکره‌های دور بعد. تلاش نتانیاهو برای خطوط قرمز و عدم پاسخ به پیشنهادهای ایران. در این دور، ۵+۱ پیشنهاد بازنگری شده را به ایران داد و انتظار پیشنهاد معقول را مطرح کرد. توافق محتوایی به دست نیامد، اما چشم انداز مذاکرات از تیرگی در آمد.</p>	<p>پیشنهادهای «معتبر»</p>	<p>آلماتی ۱</p>

منبع: سالنامه شرق (۱۳۹۱/۱۲/۲۱)

به طور کلی ایران مذاکرات خود با ۵+۱ را در دستور کار خود قرار داد. مذاکرات در طی ۸ سال دولت احمدی نژاد همواره نتایج عینی برای هر دو طرف نداشت، اما روندها و فرایندها به گونه‌ای مثبت ارزیابی می‌شد. بی شک سال ۱۳۹۱، به علت مذاکرات متعدد اهمیت به‌سزایی داشته است. از ابتدای سال، سه دور مذاکرات فشرده در استانبول (۲۶ و ۲۷ فروردین)، بغداد (۳ و ۴ خرداد) و مسکو (۲۹ و ۳۰ خرداد) برگزار شد. این مذاکرات پس از وقفه‌ای ۹ ماهه به دور قزاقستان (آلماتی) کشیده شد.

ایران تا قبل از آلماتی در مذاکرات قبلی، به‌ویژه از مذاکرات ۲۹ خرداد ۱۳۹۱ (۱۸ ژوئن ۲۰۱۲) در مسکو، پنج گام را پیش‌بینی کرده بود که عبارت‌اند از: گام اول: اعلام به‌رسمیت شناختن حق غنی سازی ایران از جانب ۵+۱ و متقابلاً اعلام عدم پی گیری قطعی هر نوع پروژۀ تسلیحات هسته‌ای از سوی ایران در چارچوب فتوای رهبر معظم انقلاب؛ گام دوم: اعلام آمادگی ایران برای همکاری با آژانس جهت حل و فصل موضوع ابعاد احتمالی نظامی در مقابل لغو همه تحریم‌ها به‌صورت یک‌جانبه از سوی ۵+۱؛ گام سوم: اعلام آمادگی ایران برای همکاری درباره تأمین سوخت رآکتور تهران و توقف موقت غنی سازی ۲۰ در صد در ازای لغو همه قطع‌نامه‌های شورای امنیت؛ گام چهارم: همکاری هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ و گام پنجم: همکاری غیر هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ (کیهان ۹۱/۱۲/۸). به‌هرحال، روند مذاکرات به دور سرنوشت‌ساز آلماتی

کشیده شد، دوری که منوط به این بود که اگر اقدامات مورد درخواست از ایران، داوطلبانه و طی شش ماه انجام بپذیرد، آنها اقداماتی درباره لغو تحریم‌ها انجام می‌دهند (همشهری، ۹۱/۱۲/۲۱).

دولت احمدی نژاد در آخرین دور مذاکرات خود در آلمانی ۲، در گام اول به طرف‌های مذاکره پیشنهاد موضوعاتی برای توافق و همکاری را مطرح کرده بود که طرح عملیاتی تیم ایرانی بر همین مبنا پیشنهاد شده بود، اما ۱+۵ بر اساس این بسته آمادگی لازم را نداشته و خواستار فرصت بیش‌تر برای بررسی پیشنهاد شده بودند (جمهوری اسلامی ۹۲/۱/۱۸). بحث‌های اصلی این دور، مسئله تحریم‌های یک‌جانبه از سوی آمریکا، اعتمادسازی و بررسی مواضع یکدیگر بود. پس از پایان این دور، اختلافات ماهوی در بین ۱+۵ درباره مذاکرات هسته‌ای ایران شدت گرفت. ماحصل مذاکرات، بالاخص در آلمانی این بود که غرب از موضع سرسختانه و منفی خود تا حدی فاصله گرفت و بر سر مسائل اساسی گفتگو شد و مباحثی مطرح گردید که آینده آن به دولت‌های بعد سپرده شد.

۲.۴. پویش محیطی

در این برهه، محیط‌ها در شرایط بسیار حساس و تقابلی، شرایط دیپلماسی را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهند. محیط سازمانی بسیار متشنج است و روند سازمانی با قطع‌نامه‌های ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ از طریق شورای امنیت شروع می‌شود. قطع‌نامه‌های بسیاری نظیر ۱۷۳۷ در دی ماه ۱۳۸۵، ۱۷۴۵ در ۵ فروردین ۱۳۸۶ و ۱۸۰۳ و سایر قطع‌نامه‌های دیگر نیز صادر شد. این قطع‌نامه‌ها به مرور عرصه‌های اقتصاد و سیاست ایران، به‌ویژه سازمان‌ها و مؤسسه‌ای که با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران همکاری می‌کردند را در برمی‌گرفت.

نقش عوامل داخلی در دولت احمدی نژاد، به‌نسبت دولت‌های پیشین بسیار بیش‌تر بوده و در مسیر دیپلماسی هسته‌ای، کانال‌های تأثیرگذار داخلی اعم از نیروهای مسلح بالاخص سپاه، وزارت اطلاعات، صدا و سیما و سایر نهادهای مشابه نقش پررنگی داشته‌اند. از سوی دیگر، برخی نهادهای تأثیرگذار اجتماعی نظیر بخشی از دانشگاهیان، رسانه‌ها و طیفی از طبقات متوسط با نوع رفتار دیپلماسی هسته‌ای به دید انتقاد نگاه کرده و دولت را متهم به تک‌روی سیاسی نمودند.

متغیرهای شکل‌دهنده رفتار خارجی دولت احمدی نژاد، ترکیبی از نقش هم‌سان متغیرهای حکومتی، نقشی و فردی (رهبری، شورای عالی امنیت ملی، مجلس و رئیس‌جمهور) هستند و متغیر اجتماع به نسبت دولت قبل و بعد از آن، در محاط واقع شده و موضوع بیش از آن که رنگ اجتماعی بگیرد، هم‌چنان بر مدار امنیت حرکت می‌کند. در این دوره، تلقی نخبگان نسبت به مسئله هسته‌ای هم‌گرایی بیش‌تری داشته و با توجه به اهمیت یافتن بیش از حد موضوع، نوعی انسجام را در روند دیپلماسی هسته‌ای انعطاف‌ناپذیر دولت شاهدیم. بنابراین، محذورات داخلی به نسبت محذورات خارجی نقش کمتری داشته و دولت توان خود را عمدتاً متوجه مقذورات داخلی برای کاهش محذورات بیرونی نمود.

محیط‌های بیرونی، وضعیت بسیار پررنگی در این برهه داشتند و در این رابطه باید گفت که محیط سازمانی در این دولت، نقش بسیار قابل توجهی داشته و تحریم‌های اعمال شده در این دوران، ایران را به شدت به بنزین وارداتی نیازمند ساخت؛ لذا دولت تلاش کرد تا کنترل مصرف آن را با اجرای یارانه‌ها اصلاح نماید. در نتیجه، قیمت بنزین افزایش یافت و مخالفان به دلیل رکود اقتصادی و ترس تورمی در برابر آن موضع گرفتند (Cordesman, et al, 2013: 17). در سال ۲۰۱۱، غرب فشار بر واردات و ممنوع کردن عملیات بانکی نفتی و تحریم بانک مرکزی ایران را افزایش داد (Aguirre, 2012: 4). این محیط سازمانی، به طور یک‌جانبه از طرف آمریکا نیز اجرا شد؛ مانند قانون نقض حقوق بشر در ایران و سوریه در ۲۰۱۱، تحریم‌های مالی ۲۰۱۱ و ضمیمه‌های آن، اختیار دفاع ملی در ۲۰۱۱ و ضمیمه‌های قانون و اختیار دفاع ملی در ۲۰۱۲. آمریکا علاوه بر اجماع در شورای امنیت و آژانس، در قطع‌نامه‌های متعدد توانست بیش‌ترین قطع‌نامه‌های تاریخ را در مورد ایران صادر کند. باراک اوباما در ۲۲ اکتبر گفت که دولت من قوی‌ترین اتحاد و قوی‌ترین تحریم‌ها را در تاریخ علیه ایران سازماندهی کرده است (سالنامه شرق ۹۱/۱۲/۲۱). در تحولات محیط مجاور باید گفت که در افغانستان با افزایش قدرت و انسجام طالبان، افزایش نیروهای ناتو به رهبری آمریکا، افزایش سطح قاچاق و افزایش ناامنی مواجه هستیم. در عراق نیز ایالات متحده سعی بر کاهش نفوذ ایران داشت، که در این سیر موفق نبود. در محیط منطقه‌ای شامات، واشینگتن جهت مشروعیت بخشیدن به رژیم صهیونیستی و مقابله با منافع تهران، سعی بر نفوذ در لبنان و سوریه داشت. در محیط خلیج فارس نیز شاهد حضور واشینگتن و متحدین آن و مانورهای نظامی هستیم. لذا با رویکرد پرتنش غرب و سایر محیط‌ها، الگوی رفتاری ایران حرکت بین نیمه‌متشنج-متشنج و رفتار انطباقی، تلفیقی از مماشات گرایانه (رضایت‌مندانه) و محافظتی است.

۵. دولت روحانی؛ از ظهور بحران‌های منطقه‌ای تا بیانیه لوزان

سیاست خارجی ایران در دوران حسن روحانی، دارای ابعاد و ویژگی‌های خاصی است که «اعتدال» و «تنش‌زدایی» وجه غالب عرصه‌های مختلف آن است. سیاست خارجی در این برهه، براساس اصول تنش‌زدایی با کشورهای حوزه خلیج فارس، احیای مناسبات سازنده با اروپا، به‌ویژه در حل موضوع هسته‌ای، هم‌سویی استراتژیک با روسیه، بالاخص در معادلات خاورمیانه نظیر بحران سوریه و عراق، تلاش برای به حداقل رساندن اختلافات با واشینگتن برای حل بحران هسته‌ای، ایفای نقش سازنده در حل بحران عراق و سوریه و پیگیری مناسبات با کشورهای همسایه جهت ایفای نقش منطقه‌ای ایران استوار گردید. دیپلماسی هسته‌ای دولت اعتدال‌گرایان دربردارنده مشخصه‌های متعددی است. این موارد عبارت‌اند از: ظرفیت اصلاح‌پذیری در دیپلماسی، قدرت بخشیدن به دستگاه وزارت خارجه با سپردن پرونده هسته‌ای به آن، ائتلاف‌سازی

با قدرت‌های چین و مسکو و در مقاطعی اتحادیه اروپا در برابر آمریکا، ارایهٔ ترسیم «باخت-باخت» از تحریم، ارایهٔ تضمین‌های عینی متقابل در جهت افزایش شفاف‌سازی، «تنش‌زدایی» در خاورمیانه و تلاش برای غیرامنیتی کردن منافع ایران. در بررسی این دوران، با نگاهی تحلیلی ادامهٔ روند مذاکرات را تبیین می‌نماییم.

۱.۵. از مذاکرات ژنو و وین تا بیانیهٔ لوزان

ماراتن مذاکرات بیش از هر مکانی در ژنو و وین برگزار شد، البته مذاکرات در مسقط^{۱۴} نیز برگزار شد که در طی آن، آمریکا از ایران خواست تا برنامه‌ی غنی‌سازی خود را به طور بلندمدت واگذار کند و متقابلاً تا مدت‌زمانی طولانی در آینده، انتظار لغو واقعی تحریم‌ها را نداشته باشد. این به معنای آن است که امریکایی‌ها تصور می‌کنند طرفی که باید امتیاز بدهد و از شکست مذاکرات بترسد، ایران است (irannuc, content/242). روند مذاکرات ژنو و وین در جدول ۶-۱ آمده است.

- **نخستین نشست در ۲۳ مهر ماه:** اولین دور از نشست‌های ایران و ۱+۵ در دولت جدید بود و به «ژنو ۴» مشهور شد.

- **دور دوم، ۱۶ آبان در ژنو:** در نهایت، با مخالفت فرانسه توافق نهایی حاصل نشد. این دور از مذاکرات را می‌توان نقطهٔ عطفی در مذاکرات ایران با قدرت‌های جهان طی ده سال اخیر دانست. وزیر خارجهٔ فرانسه بیان کرد که اختلافات جدی هنوز پابرجاست و ایران باید امنیت اسرائیل را نیز در توافق‌نامه پیشنهادی‌اش لحاظ کند.

- **دور سوم مذاکرات، ۲۹ آبان در ژنو (ژنو ۶):** غرب به حق غنی‌سازی ایران اذعان کرد و در توافق‌نامهٔ ژنو این موضوع ذکر شد. اواما این توافق تاریخی را آغازی مهم خواند. در نهایت، پس از این توافق، سندی بین ایران و ۱+۵ که به «توافق‌نامهٔ ژنو» مشهور شد، بسته شد و در آن حقوق هسته‌ای ایران به رسمیت شناخته و غرب نیز متعهد به لغو تدریجی تحریم‌ها و آزادسازی ۴ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه‌شدهٔ ایران در طی ۶ ماه شد.

- **مذاکرات وین ۱: (دور اول در وین):** اواخر بهمن ماه به توافق رسیدند تا در چهار ماه آینده مذاکرات را برای رسیدن به یک راه‌حل نهایی ادامه دهند. مباحثی چون توافق برگزاری ماهانهٔ یک نشست، غنی‌سازی، رفع نگرانی دربارهٔ رآکتور آب سنگین اراک و هم‌کاری‌های هسته‌ای مورد بحث قرار گرفت.

- مذاکرات وین ۲: تمرکز این دور از مذاکرات بر غنی‌سازی اورانیوم و رآکتور آب سنگین اراک، هم‌کاری‌های بین‌المللی در حوزه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و رفع تحریم‌ها بود.

- مذاکرات وین ۳: با اضافه شدن دکتر ممتاز، در مورد موضوعات و محورهای دور قبلی مذاکرات (وین ۲) بحث شد.

- مذاکرات وین ۴ و ۵: مذاکره برای «نگارش متن توافق» آغاز شد.

- آخرین دور مذاکرات وین، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ (۴ آذر ۱۳۹۳): یک توافق موقت جدید به مدت ۷ ماه منعقد کردند که بر اساس آن ایران ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار دریافت خواهد کرد.

جدول ۶-۱: روند مذاکرات ژنو و وین در دولت روحانی

در مورد جزئیات ژنو ۲ باید گفت که بیش از هر چیز اختلاف اساسی در غنی‌سازی بود. ظریف معتقد بود که ما حتی یک گام عقب نخواهیم نشست و هر نوع توافقی باید متضمن غنی‌سازی باشد. این دور مذاکرات در مورد نگرانی‌های گذشته بود که به سمت پیشنهادات عبارتی یا مفهومی حرکت کرد. در حالی که پیشرفت در مذاکرات وجود داشت و اغلب آن را مثبت ارزیابی می‌کردند، اما هر دو طرف به صورت ملموسی قادر به انعطاف نبودند. این دور که با مواضع سناتورها، دال بر تحریم نفتی و تجارتي بیشتر در جریان بود، واکنش مجلس ایران را برانگیخت و مجلس ایران در این باره بیان نمود که در صورت تحریم بیش‌تر، دولت را ملزم به خروج از مذاکرات خواهد کرد (bbcpersian, 2013). از نکات قابل توجه ژنو ۲، نقش لابی اسرائیلی در مذاکرات بود. فرانسه که تلاش می‌کرد رابطه خود را با عربستان و اسرائیل و مخالفان منطقه‌ای توافق احتمالی بهبود و موقعیت خود را در معادلات خاورمیانه تقویت کند، به مخالفت با پیش‌نویس قطع‌نامه در ژنو ۲ پرداخت. اما این مخالفت نتوانست در روند مذاکرات مانع اساسی ایجاد کند، زیرا بخش عمده‌ی تحریم‌ها خارج از کادر سازمان ملل و اغلب دو یا چندجانبه بودند. بنابراین، فرانسه تحت فشار تل آویو نمی‌توانست در سایه مشکلات مذاکرات را بیش‌تر کند (bbcpersian, 2013). جزئیات متن توافق نهایی ژنو ۲ در نوامبر ۲۰۱۳ عبارت است از:

<p>تعهدات ۵+۱</p> <p>- تعلیق بخشی از محدودیت‌های معاملات طلا و فلزات گران‌بها</p> <p>- مجوز تعمیر هواپیماهای بعضی خطوط هوایی ایران</p> <p>- تعلیق بخشی از تحریم صنعت خودروسازی و صنایع وابسته</p> <p>- پرداخت مستقیم شهریه دانشگاه برای دانشجویان ایرانی در خارج</p> <p>- عدم تصویب تحریم جدید تا ۶ ماه</p>	<p>تعهدات ایران</p> <p>- توقف غنی‌سازی بالای ۵ درصد</p> <p>- فعالیت‌های نیروگاه اراک تا حدی متوقف می‌شود</p> <p>- عدم ساخت سانتریفیوژ، مگر برای جایگزینی</p> <p>- خنثی شدن بیشتر سوخت نزدیک به ۲۰ درصد اورانیوم</p>
<p>Source: www.Bbcpersian.com 2013/11/23</p>	<p>جدول ۶-۱-۱: جزئیات ژنو ۲</p>

درمورد ژنو ۳ و جزئیات آن نیز باید گفت که ایران به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز، تعهد داد که ظرف ۶ ماه آینده فعالیت‌های خود در اراک، نطنز و فردو را بیش‌تر گسترش نخواهد داد، ولی غنی‌سازی زیر ۵ درصد و تولید مواد غنی‌شده مربوطه در فردو و نطنز و تحقیق و توسعه، هم‌چون گذشته ادامه می‌یابد. بر طبق این توافق، تولید اورانیوم ۲۰ درصد، در شش ماه آینده به‌دلیل عدم نیاز ادامه پیدا نخواهد کرد، تمام اورانیوم غنی‌شده در داخل کشور باقی می‌ماند و هیچ ماده‌ای از کشور خارج نخواهد شد. براین‌اساس، قدرت‌های جهانی در مقابل توقف غنی‌سازی ۲۰ درصدی و از میان بردن ذخیره اورانیوم ۲۰ درصدی و بعضی اقدام‌های دیگر، ۴/۲ میلیارد دلار (از حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در بانک‌های آسیا) از دارایی‌های بلوکه‌شده را در یک جدول زمان‌بندی‌شده، طی شش ماه در هشت نوبت آزاد خواهند کرد. زمان بندی پرداخت آن‌ها بدین قرار بود :

93/1/21	92/12/16	92/12/10	92/11/12
۵۵۰ م د	۵۵۰ م د	۴۵۰ م د	۵۵۰ م د ^{۱۵}
93/4/29	93/1/27	93/1/24	93/1/26
۵۵۰ م د	۵۵۰ م د	۵۵۰ م د	۴۵۰ م د

جدول ۶-۱-۲: زمان‌بندی پرداخت دارایی‌های مسدودشده ایران

از ۲۴ تا ۲۷ دی ماه، ظریف سه بار در ژنو و یک بار در پاریس با کری دیدار داشت. در ادامه، در مونیخ (۱۷ تا ۲۱ بهمن) با حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ، بسیار ماهرانه مواضع تهران و تهدید به کارشکنی غرب را با بیان مقابله به مثل آن توسط مجلس ایران - غنی سازی تا سطح ۶۰ در صد - پاسخ داد. با اضافه شدن ارنست مونیز و صالحی، تقلیل شکافهای فنی به حداقل خود در ژنو (دهه نخست اسفند) رسید.

در حالی که طی چند ماه روند مذاکرات به سمت تهران - واشینگتن سنگینی می کرد، با آمدن موگرینی مذاکرات در بروکسل بیش تر بر بخش اروپایی مذاکرات تکیه کرد. اهداف اروپایی سه کشور بزرگ اتحادیه در نقش آفرینی در روند مذاکرات نهفته در اهمیت اقتصادی ایران، نیاز به نقش فزاینده تهران در معادلات خاورمیانه بالاخص در عراق و سوریه و مقابله با تروریسم است. هرچند موگرینی و سایر سران اروپایی، کمتر در مورد تحریم ها و برداشته شدن آن ها به صورت رسا به بحث پرداخته اند، اما به هر حال، اروپا حاضر نیست که نقش خویش را در پرونده هسته ای کمرنگ کند. اتحاد نانوشته سعودی ها، رژیم صهیونیستی و محافظه کاران در فشار به مذاکرات، اضافه شدن وزرای انرژی تهران و واشینگتن، جانشینی موگرینی به جای اشتون، رویارویی اسرائیل و دولت اوپاما، به خصوص بعد از سخنرانی نتانیاهو، اشتباه تاریخی ۴۷ تن از محافظه کاران در نوشتن نامه به رهبری ایران و خالی کردن جای پای اوپاما و پیشرفت در سطوح فنی، مهم ترین موضوعات در روند مذاکرات قبل از بیانیه لوزان است. پس از وین ها و ژنوهای متعدد، بالاخره در فروردین ۱۳۹۴ ایران و ۱+۵ به متن بیانیه ای دست یافتند که نه الزام آور بود و نه قطعی، بلکه این بیانیه برای عملی و الزامی شدن تا تیر ماه همین سال به تعویق افتاد. در جدول ۶-۱-۳ به بیان کلیاتی از این بیانیه می پردازیم.

ایران، پاک سازی ذخایر اورانیوم غنی شده متوسط و ذخیره سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می کند.
ایران، تعداد سانتریفیوژها را حدود دوسوم و حداقل برای ۱۵ سال کاهش می دهد.
ایران برای ۱۵ سال بعد، موافقت کرده است تا اورانیوم را بیش از ۳/۶۷ درصد غنی سازی نکند یا هیچ تأسیسات غنی سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب سنگین جدید نسازد.
فعالیت های غنی سازی اورانیوم به مدت ۱۰ سال به یک تک ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می کند، محدود خواهد بود.

برای نظارت و تأیید اجرای توافق‌نامه توسط ایران، آژانس به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم خواهد داشت.

در نتیجه این توافق‌نامه، ایران از تحریم‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ایالات متحده بیرون خواهد آمد.

جدول ۶-۱-۳: موضوعات مهم مطرح‌شده در بیانیه لوزان

موافقان بیانیه لوزان معتقدند که در این مذاکرات کنش‌گفتاری جدیدی شکل گرفته و این ناشی از عزم جهانی برای حل بحران هسته‌ای است. از طرفی، در این روند حق غنی‌سازی، آب سنگین اراک، بر جای ماندن تأسیسات هسته‌ای و برداشتن تحریم‌ها، امتیازات بزرگی است که تهران به دست آورده و به تبع آن، قطع‌نامه‌های قبلی شورای امنیت را برداشته است. تهران در مقابل این امتیازات، سیستم راستی‌آزمایی و محدودیت را که از نظر زمانی مشخص بوده، پذیرفته است. بنابراین، تهران هزینه زیادی را نپرداخته است و بیانیه لوزان، تهران را در موقعیت بهتری قرار می‌دهد. بدین‌سان، بیانیه لوزان نقطه عطفی برای شروع هم‌گرایی و ایفای نقشی سازنده‌تر و تعریف نگاه مسالمت‌آمیزتر از دیپلماسی ایرانی بوده و در شرایط اخیر و با توجه به بحران‌های خاورمیانه و تحریم‌های متوالی غرب، روند مذاکرات نکات مثبت‌تری نسبت به ابعاد منفی آن دارد.

منتقدان بیانیه معتقدند که اولاً، برداشتن تحریم‌های آمریکا شامل تروریسم، حقوق بشر و موشک‌های بالستیک نبوده؛ یعنی آن که از ۲۸ تحریم آمریکا، فقط پنج مورد آن قابل تعلیق یا لغو است. در حقیقت، در برداشتن تحریم‌ها، نوعی تعیین تکلیف در یک محدوده خاص مد نظر واشینگتن بوده است. از طرف دیگر، متن بیانیه مشترک در مورد تحریم‌های آمریکا، فقط اجرای تحریم‌ها را متوقف کرده و زیرساخت حقوقی آن باقی مانده و حتی این هم مشروط به گزارش‌دهی آژانس است و چیزی به نام لغو هم‌زمانی وجود ندارد. دوم آن که مواضع تهران، نشان از فعالیت و تحقیق و توسعه بر روی سانتریفیوژهای نسل ۴، ۵، ۶ و ۸ داشته و اجازه استفاده از سایر نسل‌های آن صورت نگرفته است. سوم، علی‌رغم آن که در بیانیه آمده است که تحریم‌های ایران به صورت جامع لغو می‌شوند، اما در ادامه بیانیه آمده که تحریم‌های اقتصادی و مالی اروپا و آمریکا لغو خواهد شد. برابر توافق ژنو، تحریم‌های ملی کشورهای اروپایی هم باید برداشته شود، اما در بیانیه سوئیس فقط تحریم‌های اتحادیه اروپا برداشته می‌شود. چهارم، کاهش ظرفیت هسته‌ای ایران که آمریکا به دنبال آن بود در فضای مذاکره به دست آمد. به عنوان مثال، ذخایر اورانیوم به میله سوخت تبدیل شده و فردو که خط قرمز ایران بوده، به یک آزمایشگاه فیزیک هسته‌ای بدل گردیده است. بنابراین، قابلیت برگشت غنی‌سازی به حالت اکنون نیز در آینده از

بین می‌رود. پنجم آن که غنی‌سازی اعلام شده با نیاز ایران تطابق ندارد و شرایط تعلیق تحریم‌ها مورد ابهام است (ماهنامه همشهری، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۳).

۲,۵. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (ژوئیه ۲۰۱۵)، در وین برنامه جامع اقدام مشترک^{۱۶} نهایی شد. در این توافق، ما برای نخستین بار پس از عصر جنگ سرد شاهد قدرت‌یابی مؤلفه‌های دیپلماسی بر جنگ‌طلبی هستیم. در دیباچه برجام در مورد توافق چنین آمده: «گروه ۱+۵ و ایران از این برنامه برجام استقبال می‌کنند و اطمینان می‌دهند که برنامه هسته‌ای ایران یک برنامه صرفاً هسته‌ای^{۱۷} است و تغییری بنیادین در رویکردهایشان نسبت به این مسئله را نشان می‌دهد. آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند اجرای کامل این برجام کمکی مثبت به صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود (Joint Comprehensive Plan of Action, 2015). در برجام، موضوعات اساسی مورد واکاوی قرار گرفته و کلیات بنیادین در مورد تحریم‌ها-جدول (۶-۲)-، سطح غنی‌سازی، نیروگاه‌های ایران-جدول (۶-۲-۱)- و شیوه حل و فصل اختلافات نیز بیان شده است.

<p>- عدم وضع هر تحریم یا اقدامات سخت‌گیرانه سازمان ملل و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی هسته‌ای علیه ایران</p>
<p>محدودیت‌هایی در حوزه موشک‌های طراحی شده برای سلاح هسته‌ای</p>
<p>- پابرجایی تحریم‌های مربوط به فناوری موشک‌های بالستیک به مدت ۸ سال - باقی ماندن تحریم‌های جنگ‌افزارهای متعارف نسبت به ایران به مدت ۵ سال</p>
<p>برداشته شدن تحریم‌های ممنوعیت خرید هواپیمای مسافربری مرتفع و امکان بازسازی ناوگان هوایی کشور</p>
<p>- آزاد شدن ده‌ها میلیارد دلار از درآمدهای مسدودشده ایران - خارج شدن بانک مرکزی، کشتی‌رانی، شرکت ملی نفت، شرکت ملی نفت کش و شرکت‌های تابعه، ایران ایر و بسیاری از دیگر نهادها، بانک‌ها و مؤسسات (حدود ۸۰۰ شخص حقیقی و حقوقی) از شمول تحریم‌ها</p>

- تحریم های یک جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا در موارد زیر هم زمان با اجرای توافق برداشته می شوند: بخش بانکی، مالی و بیمه، معاملات بیمه ای، بخش نفت، گاز و پتروشیمی، تجارت طلا، فلزات گران بها، فلزات، نرم افزار، آزادسازی منابع مالی و دارایی های اشخاص تحریم شده ایرانی، تحریم های لغوشده غیر مرتبط با برنامه هسته ای، رفع تحریم هواپیمایی، رفع ممنوعیت همکاری شرکت های وابسته به شرکت های آمریکایی با ایران، صدور مجوز صادرات فرش و برخی اقلام غذایی شامل پسته و خاویار از ایران به آمریکا.

- ایالات متحده و اتحادیه اروپا تعهد داده اند که از اعمال مجدد تحریم ها که به منزله نقض تعهدات آن ها در برجام تلقی خواهد شد، خودداری نمایند. علاوه بر این، آمریکا کلیه تحریم هایی که در سطوح ایالتی مانع از ایفای تعهدات آمریکا در رفع تحریم ها شود را به نحو مقتضی رفع نماید.

جدول ۶-۲: کلیات اساسی در مورد تحریم ها در برنامه جامع اقدام مشترک

Kaphle. A (14 July, 2015), Timeline (14 July 2015), & Sources: Simeone. J (14 July 2015), (Joint Comprehensive Plan of Action, 2015: 10-15), Bender. B (14 July 2015), Annex II – Sanctions-related commitments.

- سانتریفیوژهای پیشرفته IR6 ایران با ظرفیت ۱۰ برابر سانتریفیوژهای کنونی از ابتدای اجرای توافق در یک شیب معقول علمی در زنجیره های میانی تحقیق و توسعه تکمیل و از سال هشتم به تولید تدریجی خواهد رسید.

- سانتریفیوژهای پیشرفته IR8 ایران با ظرفیت اسمی ۲۰ برابر سانتریفیوژهای کنونی که در دو سال اخیر طراحی شده اند، در کمتر از یک سال از اجرای توافق وارد مرحله آزمایشات فنی با گاز می شوند و مراحل تحقیق و توسعه آن ها در زنجیره های میانی، بر اساس دقیق ترین استانداردهای کاربردی، از سال هشتم وارد مرحله تولید تدریجی خواهند شد.

- ظرفیت غنی سازی ایران در حد ۶۱۰۴ ماشین سانتریفیوژ IR-1 برای مدت ۱۰ سال خواهد بود. از این تعداد، ۵۰۶۰ ماشین در نظر به غنی سازی می پردازند و ۱۰۴۴ ماشین در فردو در حالت آماده خواهند بود.

- سانتریفیوژهای مازاد و بخشی از زیرساخت مرتبط با آن ها جمع آوری و برای جایگزینی سانتریفیوژهای از رده خارج شده مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

- با اجرایی شدن توافق، ایران صادرکننده اورانیوم غنی شده به بازارهای بین المللی این کالای استراتژیک خواهد شد.

<p>- به غیر از ۳۰۰ کیلو مواد غنی شده که به عنوان ذخیره در هر زمان در کشور نگهداری خواهد شد، مازاد تولید برای ۱۵ سال بر حسب تشخیص ایران: الف: فروش در بازارهای بین‌المللی در قبال دریافت معادل اورانیوم طبیعی ب: تبدیل به مجتمع سوخت واجد استانداردهای بین‌المللی ج: تبدیل به اورانیوم رقیق</p>
<p>- محدود نگاه داشتن سطح غنی‌سازی ایران برای ۱۵ سال در حد ۳/۶۷ درصد - با توجه به تکمیل مراحل تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای IR8 و IR6 و فعالیت تأسیسات نظنز با دارا بودن ظرفیت لازم برای نیازهای غنی‌سازی صنعتی ایران متناسب با توسعه سهم برق هسته‌ای در سبد انرژی کشور در افق ۱۵ سال آینده، ایران از ساخت تأسیسات جدید غنی‌سازی بی‌نیاز خواهد بود.</p>
<p>- یاری دادن کشورهای ۱+۵ برای دستیابی به فن آوری پیشرفته جهت رسیدن به استانداردهای جهانی سوخت</p>
<p>فردو</p> <p>- تأسیسات فردو هم‌چنان به عنوان یک تأسیسات هسته‌ای باقی خواهد ماند. این تأسیسات تحت عنوان مرکز هسته‌ای فیزیک و فناوری به امور زیر خواهد پرداخت: تولید ایزوتوپ‌های پایدار برای مصارف پر کاربرد صنعتی و پزشکی (رادیدو داروها)؛ تحقیق و توسعه هسته‌ای در حوزه‌های مختلف؛ و ...</p>
<p>جدول ۶-۲-۱: موضوعات مطرح شده در مورد غنی‌سازی در برنامه جامع اقدام مشترک Sources: (Joint Comprehensive Plan of Action, (14 July 2015), Annex (14 2015), Peralta. E, I – Nuclear-related measures), Bradner. E (2 April July 2015).</p>

۳،۵. قطع‌نامه ۲۲۳۱

در مسیر تحقق بخشیدن به نهایی شدن برجام، شورای امنیت، قطع‌نامه ۲۲۳۱ را تصویب نمود، که مفاد آن در جدول ۶-۳ آمده است و به دنبال آن، لغو کلیه قطع‌نامه‌های شورای امنیت پیرامون موضوع برنامه هسته‌ای ایران بر اساس ماده ۴۱ در دستور کار قرار گرفت. بر طبق این قطع‌نامه، برجام مورد تأیید قرار

گرفته و اجرای آن برای همه طرف‌ها الزام‌آور می‌شود و کلیه قطع‌نامه‌های شورای امنیت^{۱۸} در مرحله اول و در قالب ماده ۴۱ منشور ملل متحد^{۱۹}، لغو و تمام تحریم‌های مالی و اقتصادی تحمیل شده بر وفق آن‌ها خاتمه می‌یابد. شورای امنیت، صراحتاً رویکرد خود را نسبت به موضوع هسته‌ای ایران به‌طور اساسی تغییر یافته اعلام می‌کند و برداشت گذشته نسبت به برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» رفع خواهد شد. روز خاتمه قطع‌نامه شورای امنیت، روزی است که در آن، قطع‌نامه شورای امنیت برجام را تأیید می‌نماید، منطبق با شرایط خود خاتمه می‌یابد که این روز ده سال از زمان روز توافق خواهد بود، مشروط به این که مفاد قطع‌نامه‌های قبلی بازگردانده نشده باشد.

با درخواست ایران قید شد که اگر تحریم‌های ایران به هر دلیلی بازگردند، قراردادهایی که پیش از اجرای قطع‌نامه اخیر بسته شده و هم‌خوان با برجام بوده‌اند، به قوت خود باقی مانده، مشروط بر این که آن فعالیت‌ها برجام را در نظر گرفته و اجرای آن قراردادهای با قطع‌نامه کنونی و قطع‌نامه‌های پیشین هم‌خوان باشد.

تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی بدین منوال در قطع‌نامه بررسی گردیده^{۲۰} و به دو دسته تقسیم شده‌اند:
الف. تحریم‌های تسلیحاتی:
تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی ایران برداشته می‌شود، اما به صورت تدریجی و مرحله به مرحله.
در مورد تحریم‌های تسلیحاتی، محدودیتی ۵ ساله برای ایران در نظر گرفته می‌شود و تا پیش از آن هم ایران قادر خواهد بود آنچه را که در لیست «تسلیحات متعارف سازمان ملل» وجود دارد، با جلب رضایت اعضای شورای امنیت خریداری کند.
ب. تحریم‌های موشکی:
محدودیت‌های اعمال شده، هشت ساله بوده و پس از آن محدودیت‌های مربوط به توسعه برنامه موشکی نیز برداشته شود.
تا پیش از رفع محدودیت‌های هشت ساله، ایران می‌تواند موارد مورد نیاز برنامه موشکی خود را دریافت کند، مشروط بر این که خرید آن‌ها از قبل به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل رسیده و مورد تصویب قرار گیرد.

۱۸. قطع‌نامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰)

۱۹. قطع‌نامه‌های قبلی ایران را تحت ماده ۴۱ فصل ۷ منشور قرار داده بود

۲۰. در دو قطع‌نامه تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی اعمال شده است؛ دسامبر ۲۰۰۶ ذیل قطع‌نامه ۱۷۳۷ و در ۲۰۱۰ در قطع‌نامه ۱۹۲۹

در حالی که در قطع نامه های پیشین ایران از هر گونه فعالیت موشکی «منع» شده بود، در قطع نامه جدید از ایران «خواسته شده است» تا دست به فعالیت های مرتبط با موشک های بالستیک نزند.

از ایران خواسته شده تا هیچ فعالیتی مرتبط با موشک های بالستیک طراحی شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته ای صورت ندهد؛ تا زمان هشت سال پس از «روز پذیرش برجام» و یا تا زمانی که آژانس بین المللی انرژی اتمی گزارشی ارائه دهد که «جمع بندی مبسوط» را تأیید می کند، بسته به این که کدام زودتر اتفاق افتد.

در مورد شرایط استثنا در انتقال فناوری های موشکی به ایران آمده است که تمامی کشورها باید برای مشارکت در فعالیت ها^{۲۱} اجازه انجام آن را صادر کنند، مشروط به این که شورای امنیت پیشاپیش بر مبنایی مورد به مورد مجوز چنین فعالیت هایی را صادر کرده باشد.

پس از اجرایی شدن توافق، باید طرفین به صورت دوره ای نشست هایی برای بررسی روند اجرای تعهدات طرفین داشته باشند.

گروه ۵+۱ و ایران، هر دو سال یک بار، یا در صورت نیاز زودتر، به منظور بازنگری و ارزیابی پیشرفت صورت گرفته و اتخاذ تصمیمات مقتضی با اجماع، در سطح وزیر دیدار خواهند نمود.

جدول ۶-۳: مفاد قطع نامه ۲۲۳۱

Source: <http://www.farsnews.com/13940426000685>

۴.۵. پوش محیطی

متغیرهای شکل دهنده رفتار خارجی دولت روحانی، در حالت بینابینی میان دولت های خاتمی و احمدی نژاد قرار داشته اند. نقش عوامل داخلی در این برهه حالت دو وجهی داشته است؛ در وجه نخست، برخی سازمان ها و نهادهای داخلی تأثیر گذار نظیر مجلس و صدا و سیما، به مرور به ایفای نقش انتقادی میل می نمایند، اما در وجه دیگر، عواملی نظیر تلقی متفاوت نخبگان از برجام، نوع نگاه به غرب، تعاریف نامتنجانس از تعهدات پسابرجامی و دیدگاه های مآلا متعدد در موضوعات مختلف دیپلماسی باعث شد تا برخی نهادها، نظیر سپاه پاسداران، با ینش انتقادی به دولت بنگرند و موضوعات و جوانب دیگر دیپلماسی هسته ای را

۲۱. الف: تأمین، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم تمامی اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری های برشمرده شده در (S/2015/XXX) [جدیدترین فهرست کنترل فناوری موشکی] و...، ب: ارائه هر گونه فناوری یا آموزش و کمک فنی، کمک مالی، سرمایه گذاری، خدمات واسطه ای و موارد دیگر.

مورد توجه قرار دهند^{۲۲}. از بعد دیگر، با توجه به عدم رشد چشم‌گیر اقتصادی در فضای جامعهٔ پس‌برجام و برجام‌اندن برخی از تحریم‌ها - با توجه به نحوهٔ برداشتن آن‌ها - به‌مرور بخش‌هایی از حامیان دولت نظیر طبقات متوسط، بخشی از فضای دانشگاهی کشور به صف منتقدان معتدل دولت پیوستند، اما در نگاه کلی‌تر میزان اثرگذاری متغیرهای اجتماعی نسبت به برهه‌های پیشین بیش‌تر شده و پس از حمایت افکار عمومی از شعارهای انتخاباتی روحانی، نظیر چرخیدن چرخهٔ زندگی مردم نه فقط سانتریفیوژ و سپرده شدن پروندهٔ هسته‌ای به دستگاه وزارت خارجه، این متغیر بیش از پیش نقش پررنگ‌تری در برنامهٔ هسته‌ای داشته است. بنابراین، متغیرهای فردی (رهبری، رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه)، نقشی، حکومتی (رابطهٔ قوهٔ مجریه و مقننه در شکل‌گیری دپلماتسی) و اجتماعی (جامعه) نقش مثبت و قابل توجهی داشته و محذورات داخلی از تعادل نسبی برخوردار بودند که در نتیجه، این مهم مقذورات دولت را در عرصهٔ بیرونی بیش‌تر کرد. از منظر پویش بیرونی، باید گفت که هم‌زمان با روی کار آمدن دولت اعتدال‌گرای روحانی، خاورمیانه شاهد بحران‌ها و تعارض‌های جدی بین اغلب واحدها بود. محیط منطقه‌ای ایران، از سوریه و عراق گرفته تا غزه، به‌شدت الگوهای رفتاری ایران را تحت تاثیر خود قرار داد. محیط سیستمی خاورمیانه با شکل‌گیری بحران‌های مختلف، از عراق تا یمن، به‌شدت متشنج بود. محیط مجاور در این برهه، به بیش‌ترین میزان خود در دو دههٔ اخیر تبدیل شد. پدید آمدن گروه‌های تکفیری، بالاخص داعش در سوریه و عراق، با حمایت رژیم صهیونیستی و عربستان و قدرت‌های فرامنطقه‌ای با حمایت واشینگتن، شدیداً محیط مجاور ایران را آسیب‌پذیر کرد. دولت روحانی تلاش نمود تا محیط سازمانی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و یک‌جانبه، دوجانبه و چندجانبه را به حداقل ممکن برساند. لذا، علی‌رغم وجود محیط‌های پرتنش، الگوی رفتاری در این برهه بهره‌گیری از الگوی ارتقای - عادی است تا بتوان در کنار تنش‌زدایی، محیط سازمانی را تعدیل کرد.

هم‌زمان با مدت زمان ۹ تیر ۱۳۹۴ (۳۰ ژوئن) جهت توافق احتمالی بیانیهٔ لوزان، محیط‌های شش‌گانه به‌ویژه سیستمی، منطقه‌ای و مجاور به‌شدت علیه روند مذاکرات متشنج می‌شود. با تقویت داعش توسط عربستان و رژیم صهیونیستی، حملات متحدان ریاض به یمن و در طول آن آشکار شدن نیت پنهانی تل‌آویو

۲۲- در حقیقت بسیاری از منتقدان باور داشته که فضای پس‌برجامی در یک پلان کلی، در مسیر استحالهٔ هویتی و فرهنگی انقلاب اسلامی گام برداشته و باید در مسیر دپلماتسی هسته‌ای متوجه کانال‌های اقتصادی و فرهنگی مرتبط با نفوذ بود. آن‌ها معتقدند که غرب در پس‌برجام، نه بر تعهدات خویش عمل نموده و نه خصومت خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران کنار گذاشته و لذا ما شاهد چهرهٔ نوینی از تخاصم غرب با انقلاب اسلامی ایران هستیم. در این پویش، آن‌ها تأکید داشته‌اند که غرب و در رأس آن واشینگتن، در نهایت غیر قابل اعتماد بوده و روند پیگیری پس‌برجامی نباید سایر موضوعات بنیادین را مورد مذاکره یا گفتگو قرار دهد و تهدیدزدایی دپلماتسی برجام در آینده‌ای نزدیک با اشکال جنگ‌های نیابتی در مرزهای کشور، اقدامات تروریستی و وجوه مختلف انقلاب رنگی خواهد بود.

و رباض در مورد برنامه هسته‌ای، تلاش آن‌ها برای محدود نمودن ایران در حصار تحریم‌ها و عدم توافق یا توافقی بد، نشان از محیط‌های پرتنش در امتداد مذاکرات هسته‌ای دارد. بیانیه لوزان، در محیط خاورمیانه دیدگاه‌های متنوعی را پدید آورد که در تندترین مواضع، ما شاهد رویکرد تقابلی سعودی‌ها و رژیم صهیونیستی هستیم. آن‌ها بارها کنگره آمریکا را به افزایش مطالبات در مذاکرات ترغیب نمودند و مقابله با روند هسته‌ای شدن تهران را مقدم بر اختلافات دیرین جهان عرب و رژیم صهیونیستی دانسته و بدین سان در صدد پدید آمدن محیط تقابلی با تهران برآمدند.

گلوبال ریسرچ در این مورد بیان می‌دارد که در روند مذاکرات ما شاهد اتحاد نامقدس اسرائیل و عربستان، تلاش این دو برای عدم توافق هسته‌ای با ایران و مبارزه با قدرت‌یابی نیروهای پراکسی و نقش ایران در خاورمیانه هستیم. نگرانی عربستان از توافق احتمالی با ایران تا حد زیادی به موقعیت آن‌ها در منطقه، پتانسیل سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران برای برهم زدن تعادلات در منطقه و برداشتن محدودیت‌ها و تهاجمی‌تر شدن ایران پس از توافق است. سعودی‌ها معتقدند که با جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران، باید چالش‌ها و تهدیدات احتمالی آن را فروکاست (Globalresearch, 2015). هم‌زمان، در روند مذاکرات شاهد افزایش هم‌گرایی تل‌آویو و ریاض هستیم؛ در این مورد سفر رئیس موساد به ریاض نشان از اشتراک منافع بین این دو در مقابله با تهران دارد (اسرائیل‌الیوم، ۱۶ مارس ۲۰۱۵).

در سطح محیط منطقه‌ای هم‌زمان با تحولات بیداری اسلامی، دولت روحانی تلاش نمود تا هم‌کاری‌های خود را با کشورهای اروپایی و خلیج فارس و خاورمیانه گسترش داده و زمینه را برای تنش زدایی فراهم کند. در محیط سیستمی، با ادامه تعامل سازنده تهران، اروپاییان نیز سعی نمودند تا تعارضات خویش با تهران را به حداقل رسانده و بتوانند در محیط خاورمیانه منافع خویش را حفظ نمایند. محیط مجاور این برهه به شدت به علت تحرکات جریان‌های تکفیری پرمخاطره بوده و از طرفی، مجاورت جریان اصلی تکفیری‌ها در عراق به رهبری عربستان و رژیم صهیونیستی، مسیر دیپلماسی را به سمت امنیتی و دفاعی شدن سوق داد. محیط سازمانی نیز با ادامه روند مذاکرات رو به بهبودی گذاشته و با پرداخت بدهی‌های معوقه آمریکا به ایران آغاز شده است، ولی هم‌چنان حتی در صورت توافق احتمالی، تحریم‌های موشک‌های بالستیک و حقوق بشر بر جای خواهد ماند. محیط هم‌بستگی متقابل نیز علی‌رغم تنش زدایی و اثبات نقش مثبت ایران در مقابله با تروریسم، به دلیل تقابلات تهران با ترکیه، مصر و عربستان در بحران سوریه، اختلافات ماهوی با اعضای شورای هم‌کاری خلیج فارس و سمت‌گیری مصر و عربستان به سمت رژیم صهیونیستی در جنگ‌های غزه، به سوی شکنندگی حرکت می‌کند. متغیرهای نقشی، فردی و اجتماعی شکل‌دهنده به الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران، حرکت از الگوی باتدبیر به سمت عادی، رفتار انطباقی دیپلماسی هسته‌ای و تلفیقی از رفتار

ارتقای و رفتار نیمه‌محافظتی است.

از بعد دیگر، در مورد نقش محیط بیرونی در شکل‌گیری برجام باید گفت که الگوهای رفتاری منتج به توافق از سوی اطراف مذاکره در ارتباط با تحولات منطقه‌ای به‌خصوص در خاورمیانه، تاثیرات مهمی در به ثمر نشستن توافق داشته‌اند. هم‌زمان با روند برجام، تحولات محیط منطقه‌ای ایران به سود ایران در جریان بوده و به تعبیری ما شاهد پذیرش بالفعل نقش تهران در تحولات منطقه‌ای از سوی غرب هستیم. در محیط سازمانی، غرب و متحدان منطقه‌ای آن، بالاخص سعودی‌ها با بازی نفت ارزان با مشکلات متعددی روبرو بوده و از طرفی، کشورهای بسیاری از تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران متضرر شده‌اند. محیط مجاور ایران، با ادامه ایفای نقش سازنده ایران در مهار داعش در عراق و سوریه، قدرت چانه‌زنی نخبگان ایرانی را بالا برده و محیط منطقه‌ای نیز با ترس‌های جهانی و منطقه‌ای از تکثیر و نقش فزاینده ایران در مقابله با آن، رسوایی سعودی‌ها در بحران یمن، افول سیاست نعثمانی‌ها در سوریه و تزلزل در اهداف حامیان مخالفان اسد، قدرت‌یابی سعودی حزب‌الله و مشروعیت فزاینده جنبش‌های اسلامی نظیر حماس، باعث شد که عملاً محیط منطقه‌ای یکی از مؤثرترین ابزارهای اقتدار سیاسی ایران در روند مذاکرات ارزیابی شود. محیط سیستمی با احیای قدرت جهانی نخبگان کرملین، معادله را به شدت به نفع ایران حرکت می‌داد، چراکه نخبگان مسکو و تهران تقریباً در اغلب موضوعات خاورمیانه‌ای، مانند سوریه، عراق، یمن و موضوع هسته‌ای، در یک فاز مشترک منافع بودند و هر تهدید یا چالشی علیه تهران، سیستم را به شدت تحت تأثیر قرار داده و محیط سیستمی متعادل‌تری نسبت به گذشته در موضوع هسته‌ای سامان می‌داد. در مورد همبستگی متقابل نیز باید گفت که اغلب واحدهای عربی منهای سعودی‌ها، به برجام به‌عنوان راهی مناسب برای برخورد با تهدید پنداری از ایران نگریسته و مذاکره با تهران را مطمئن‌ترین گزینه ممکن دانسته‌اند. همبستگی متقابل منطقه‌ای، دو کانون متضاد را در خاورمیانه شکل داده بود که در یک سر آن «تهران، بغداد، دمشق، بیروت و غزه» و در سر دیگر آن «ریاض، تل‌آویو و به‌شکل تعدیل یافته‌ای آنکارا» قرار داشتند. باید گفت که بر اثر غلبه هنجارهای بین‌المللی، عملاً معمای امنیتی پس از توافق هسته‌ای کاهش پیدا می‌کند و نوعی هم‌بستگی میان چهار سطح تحلیل ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی به وجود می‌آید و خاصیت این وضعیت، نوعی حرکت رو به جلو است. هسته‌ای شدن هم‌هنجار ساز و هم‌هنجارزداست (قوام، ۱۳۹۴: ۱۱).

نتیجه گیری

در مورد دیپلماسی هسته‌ای باید گفت که ایران در مذاکرات، حتی اگر در شرایط پس‌برجامی به نتایج نهایی خود دست نیابد، دستاوردهای بسیار ارزنده‌ای داشته است؛ چراکه مسئله حق مسلم هسته‌ای و غنی‌سازی ایران، دیگر در مذاکرات و فضای بین‌المللی به‌عنوان یک حق طبیعی، تا حدی برطرف شده است و جامعه جهانی همگامی و صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را در ادامه روند مشاهده نموده است. آینده برجام به موضوعات متعددی برمی‌گردد. موضوعاتی نظیر تحریم‌های دوباره به بهانه‌های غیر از موضوع هسته‌ای، مانند موشک‌های بالستیک، حقوق بشر یا تروریسم، میزان پایداری به برجام و تفاسیر دولت‌های بعد از توافق، نقش متحدان منطقه‌ای واشینگتن در خاورمیانه به‌ویژه رژیم صهیونیستی و عربستان، نیاز آینده ایران به نسل‌های جدیدتر سانتریفیوژ برای تحقیق و توسعه، مطرح شدن ادعاهای مربوط به گره زدن منافع خاورمیانه‌ای ایران به موضوع هسته‌ای در آینده، ترکیب نمودن مباحث نظامی با حقوق هسته‌ای ایران و ادعاهای مکرر دال بر بازدید از مراکز هسته‌ای و گفتگو با دانشمندان هسته‌ای، می‌تواند برجام و روند اجماع در مورد برنامه هسته‌ای را بی‌اعتبار سازد. یافته‌های پژوهش که در بردارنده متغیرهای داخلی و تأثیرات هر کدام به‌تناسب در دولت‌ها و الگوی رفتاری و رفتار انطباقی مرتبط با محیط‌های بیرونی دولت‌های مطرح است را می‌توان در جداول ۷-۱ و ۷-۲ مشاهده کرد.

متغیرها	توضیحات
حکومت	بیشترین تأثیر در هر سه دولت خاتمی، احمدی نژاد و روحانی.
فرد	دومین متغیر تأثیرگذار بر هر سه دولت-در دولت احمدی نژاد نقش مهمی داشته است.
نقش	در هر سه دولت جایگاه یکسانی داشته است.
اجتماع	متغیر مهمی که پس از سه متغیر دیگر به ترتیب در دولت‌های خاتمی، روحانی و احمدی نژاد نقش پررنگی داشته است.

جدول ۷-۱: متغیرهای داخلی و تأثیرات هر کدام به تناوب در دولت‌ها

دولت‌ها و محیط‌ها: (سازمانی، منطقه‌ای، سیستمی، مجاور و ...)، الگوی رفتاری، رفتار انطباقی

دولت اصلاحات:

- **سازمانی:** قانون گزارش اجباری در مورد فهرست کشورها، شرکت‌ها و افرادی که به ساخت سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای ایران کمک می‌کنند، در هر شش ماه به کنگره آمریکا در ۱۹۹۹، محور شیطانی در ۲۰۰۱
- **منطقه‌ای:** با بهبود گسترش روابط سیاسی با کشورهای عربی و مجموعه خلیج فارس، محیط بسیار مساعد
- **سیستمی:** نگاه مثبت و تعامل سازنده با اتحادیه اروپا؛ محیط سیستمی تا حدی از تعارضات خود نسبت به ایران می‌کاهد؛ با روی کار آمدن نومحافظه کاران در ایالات متحده به یک‌باره محیط به سمت امنیتی بودن میل می‌کند.
- **مجاور:** حضور ایالات متحده در افغانستان و عراق، حضور قدرت‌ها به بهانه بحران ریاست جمهوری
- **همبستگی متقابل:** با توجه به الگوی گفتگوی تمدن‌ها و نقش ایران در فرایند تعامل، محیط شکننده‌ای نیست.
- **داخلی ایران:** ما در سال‌های پایانی شاهد موجی از مخالفت‌ها با دیپلماسی هسته‌ای در بخش داخلی هستیم؛ در سطح پویش‌های واقعی در فرآیند تصمیم‌گیری دیپلماسی هسته‌ای، دولت با موانعی چون تلقی متفاوت برخی نخبگان و محذورات داخلی مواجه است.
- رفتار انطباقی:** حرکت از رضایت‌مندانه به سمت ارتقایی بوده است که به انطباق محافظتی میل می‌کند.
- الگوی رفتاری:** حرکت بین نیمه‌متشنج - متشنج؛ در سال آخر به سمت الگوی متشنج میل می‌کند.

دولت اصولگرایان:

- **سازمانی:** بسیار متشنج است و روند سازمانی با قطع‌نامه‌های ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ از طریق شورای امنیت شروع و با قطع‌نامه‌های بسیاری نظیر ۱۷۳۷ در دی ماه ۱۳۸۵، ۱۷۴۵ در ۵ فروردین ۱۳۸۶ و ۱۸۰۳، در ۲۰۱۱ فشار بر واردات و ممنوع کردن عملیات بانکی نفتی، تحریم بانک مرکزی ایران، تحریمات یک‌جانبه از سوی آمریکا مانند قانون کاهش تهدید حقوق بشر ایران و سوریه در ۲۰۱۱، تحریم‌های مالی ۲۰۱۱ و ضمیمه‌های قانون، اختیار دفاع ملی در ۲۰۱۱ و ضمیمه‌های قانون، اختیار دفاع ملی در ۲۰۱۲ ادامه می‌یابد.
- **مجاور:** در افغانستان با افزایش قدرت و انسجام طالبان، افزایش نیروهای ناتو به رهبری آمریکا، افزایش سطح قاچاق و افزایش ناامنی در افغانستان، تلاش آمریکا برای کاهش نفوذ تهران در عراق روبرو هستیم.
- **منطقه‌ای:** تلاش واشینگتن در سوریه و لبنان برای کاستن از نقش نیروهای پراکسی ایران؛ در محیط خلیج فارس: حضور واشینگتن و متحدین آن و افزایش مانورهای نظامی
- همبستگی متقابل:** به شدت پرمخاطره و امنیت‌محور
- داخلی ایران:** هم‌گرایی و افزایش ادراکات مشترک نسبت به برنامه هسته‌ای
- رفتار انطباقی:** تلفیقی از مماشات گرایانه و محافظتی.
- الگوی رفتاری:** حرکت میان نیمه‌متشنج - متشنج

دولت اعتدال گرایان:

- **منطقه‌ای:** هم‌زمان با تحولات بیداری اسلامی، تنش‌زدایی با کشورهای اروپایی و خلیج فارس و خاورمیانه
- **سیستمی:** با ادامه‌ی تعامل سازنده‌ی تهران، اروپاییان نیز سعی نمودند که تعارضات خویش با تهران را به حداقل رسانده تا بتوانند در محیط خاورمیانه منافع خود را حفظ کنند؛ تهران و واشینگتن به حداقلی از اشتراکات در مورد برنامه‌ی هسته‌ای رسیدند
- **مجاور:** به علت تحرکات جریان‌های تکفیری، بسیار پرمخاطره بوده و از طرفی، مجاورت جریان اصلی تکفیری‌ها در عراق به رهبری عربستان و رژیم صهیونیستی، مسیر دیپلماسی را به سمت امنیتی و دفاعی شدن سوق داد.
- **سازمانی:** با ادامه‌ی روند مذاکرات، رو به بهبودی گذاشته و پرداخت بدهی‌های معوقه‌ی آمریکا به ایران آغاز شده، ولی هم‌چنان حتی در صورت توافق احتمالی، تحریم‌های موشک‌های بالستیک و حقوق بشر بر جای خواهد ماند.
- **همبستگی متقابل:** علی‌رغم تنش‌زدایی و اثبات نقش مثبت ایران در مقابله با تروریسم، به‌علت تقابل‌های تهران با ترکیه، مصر و عربستان در بحران سوریه، اختلافات ماهوی با اعضای شورای همکاری خلیج فارس و سمت‌گیری مصر، عربستان به سمت رژیم صهیونیستی در جنگ‌های غزه، همبستگی متقابل به سوی شکنندگی حرکت می‌کند.
- **داخلی ایران:** نوسان بین منتقدان و موافقان روند مذاکرات و اجماع نظر بر ادامه‌ی مذاکرات با تأکید بر حقوق هسته‌ای
- رفتار انطباقی:** تلفیقی از ارتقایی و نیمه‌محافظتی
- الگوی رفتاری:** الگوی با تدبیر به سمت عادی

جدول ۷-۲: الگوی رفتاری و رفتار انطباقی مرتبط با محیط‌های بیرونی (۲۰۱۵)
- (۱۹۹۷)

منابع

الف) منابع فارسی

- احتشامی، انوشیروان. (۱۳۷۸). **سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی (اقتصاد، دفاع، امنیت)**، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بسته‌ی رصدی اندیشکده راهبردی تبیین درباره‌ی بیانیه‌ی لوزان (۱۳۹۴).**
- بعیدی نژاد، حمید. (۱۳۸۴). **سیاست هسته‌ای آقای خاتمی، فصلنامه سیاست خارجی**، سال نوزدهم، شماره ۱.
- درویشی متولی، حسین. (۱۳۸۸). **موعود گرایان و جهانی شدن فرهنگ، در مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل**، تهران:

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۸۹). حفظ امنیت هستی‌شناسانه و سازش ناپذیری نظام جمهوری اسلامی ایران در سیاست هسته‌ای، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال سیزدهم، شماره ۵۱.

سوری، جواد. (۱۳۸۴). از تنش زدایی یا تعامل سازنده و موثر: بازتاب جهانی شدن در سیاست خارجی خاتمی، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۳۶.

سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۹). **اصول روابط بین الملل (الف و ب)**، چاپ ششم، تهران: میزان.

سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۴). **نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین الملل فردی و جهانی شده: مناسبت و کارآمدی**، تهران: وزارت خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و خارجی: نی.

عباسی، ابراهیم. (۱۳۹۰). بازخوانی رفتار هسته‌ای ایران در پرتو دگرگونی‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی، (۱۹۷۹-۱۹۵۰)، **فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۸۶.

غریب آبادی، کاظم. (۱۳۸۸). دیپلماسی هسته‌ای دولت نهم، سیاست‌ها و دستاوردها، در **مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین الملل**، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهارم، سمت.

قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۴). تغییر پارادایم پس از توافق وین، **ماهنامه دیپلمات**، شماره دوم، مهرماه.

مصفا، نسرين. (۱۳۸۵). **نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: طرح جامع پژوهش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، وزارت امور خارجه.

موسوی فر، مرضیه. (۱۳۸۹). **معمای ایران و آمریکا**، تهران: میزان. نبوی، سید مرتضی. (۱۳۸۳). پاسخ‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به چند پرسش کلیدی، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۳۴.

هیل، کریستوفر. (۲۰۰۸). **ماهیت متحول سیاست خارجی**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) منابع انگلیسی

Aquirre, M. (2012). *Iranian Nuclear Weapons: A Self-Fulfilling Prophecy?*, Norwegian Peacebuilding Resource Center, Noref Report, February.

Bowen, Q.W & Brewer, J. (2011). *Iran's Nuclear Challenge: Nine years and Counting*, The Royal Institute of International Affairs, No 87(4).

Cordesman, H, A. Gold, B. Khazai, S & Bosserman, B. (2013). *U.S. And Iranian Strategic Competition: Sanctions, Energy, Arms Control, and Regime change*, **Center for Strategic International Studies, CSIS.**

Farhi, F. (2004). *To Sign or not to Sign? Iran's Evolving Domestic Debate on Nuclear Options, Posted on Iran's Bomb: American and Iranian Perspectives*, **The Nexon Center.**

Full text of Joint Comprehensive Plan of Action (14 July 2015), *Annex I– Nuclear-related measures, Annex II – Sanctions-related commitments, Annex III - Civil Nuclear Cooperation, Annex IV – Joint Commission, Annex V - Implementation Plan.*

Haman, W.H. (2008). **A Nuclear Iran: Now what?** , U.S. Army College, Carlisle Barracks, PA 17013-5050, Distribution statement A: Approved for Public Release Distribution is Unlimited.

Hunter, T.S. (2010). **Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era**, Greenwood, Santa Barbara, California.

Kamrava, M. (2008). *The United States and Iran: A Dangerous but Contained Rivalry*, **Policy Brief**, 9(1).

(2004). *Iran's Bomb and what to Do About it, Posted.* Kemp, G *on Iran's Bomb: American and Iranian Perspectives*, **The Nexon Center.**

Madson, P.N. (2006). **The Sky is Not Falling: Regional Reaction to a Nuclear-Armed Iran**, Naval postgraduate School, Monterey, California.

Middle East Report .(2006). *Iran: Is there a Way out of the Nuclear Impasse?*, **International Crisis Group**, Working to Prevent Conflict Worldwide, 23 February, N.51.

Rosenau, J. N. (1971). **The Scientific Study of Foreign policy**, New York

Shanoon, N. K. (2005). **Europe and Iran's Perspectives on Non-Proliferation**, Oxford University Press.

ج) جرايد

کيهان (۸۳/۱۰/۲۶)، مه‌رنامه (۹۱/۲)، آرمان (۹۱/۷/۵)، شرق (۹۱/۶/۱۸)،
کيهان (۹۱/۱۲/۸)، سالنامه شرق (۹۱/۱۲/۲۱)، همشهری (۹۱/۱۲/۲۱)،
جمهوری اسلامی (۹۲/۱/۱۸)، کيهان (۹۲/۱/۲۱)، ايران (۹۲/۱/۲۱)، همشهری
(۹۲/۱/۲۴)، ماهنامه همشهری (خرداد ۱۳۹۴).

د) منابع اينترني

<http://www.globalresearch.ca>. 5439349, 'Unholy Alliance' between Saudi Arabia and Israel, March 29, 2015.

<http://www.irannuc.ir/content/2423>.

How the Pentagon got its way in Iran ,July 2015) Bender. B. (14 military weapons sales to Iran will deal: Restrictions on advanced **.Politico** ,remain in place for five to eight years

What's in the Iran nuclear deal? 7 .2015) Bradner. E. (2 April CNN, ,*key points*

<http://csis.org/publication/assessing-deal-or-non-deal-iran>, Cordesman. H.A. Assessing a Deal or Non-deal with Iran, Nov 20, 2014.

<http://www.Bbcpersian.com>, news, (2013/11/20-23)

<http://www.Bbcpersian.com>, news, (2015/03/16)

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940426000685>(94/04/27)

<https://www.gov.uk/government/speeches/foreign-secretary-commons-on-iran-nuclear-talks> statement-to-the-house-of Things You Should Know About The July 2015). (14.Peralta. E NPR ,Iran Nuclear Deal

Here Are The Highlights Kaphle. A. (14 July, 2015). & Simeone. J **.News Buzzfeed** ,of the Iran Nuclear Agreement

July 2015). *Implementation of the Iran nuclear* Timeline. (14 **. Reuters**, *agreement*